



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس عصره شنبه (۳۰) فروردین ماه ۱۳۲۵

فهرست مطالب :

- ۱- قرائت اسمی غائبین جلسه قبل -
- ۲ - اعلامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه
- ۳- قرائت اسمی غائبین جلسه قبل -
- ۴ - تعیین موقع جلسه آینده - اعلام جلسه

جلسه ساعت چهار و پنج دقیقه بعد از ظهر بر پشت آقای مهندس عبدالله ربانی تشکیل گردید

- ۱- قرائت اسمی غائبین جلسه قبل
- ولیس ساسلی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.
- (شرح زیر قرائت شد)
- غائبین بلاجه - آقایان :
- ۲ - اعلامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه
- راجع به لایحه متمم بودجه سال ۱۳۲۴ کل کشور

- آموزگار - دکتر امجدی - اولیاء - حاذقی -
- دکتر خطیبی - دکتر رشتی - مهندس ذبیحی - مهندس
- سدقیانی - دکتر ضیائی - کمالوند - مبارکی - مهندس
- مجتهدی - محمدزاده

- غائبین بی اجازه - آقایان :
- دکتر یگانگی - دکتر مصباح زاده
- غائبین مرخصی - آقایان :
- رجائی - دوستامحضر پور - دکتر فرهود - فولادوند

تین مذاکرات مشروح در دست در پنجاه و نهمین جلسه از دوره بیست و یکم قانونگذاری - اداره تلفنوی و مطبوعات

را که فکر بکنید نفقین بلستانمان، کندن اخبارات یک سازمان و گذاشتن یک سازمان من بعد از بدنه خود شهرزادی چیست ولی در هر حال شاید توجه ما به این کار کرده اما حالا که اینطور شده از شما استعفا دارم بکنید مورد بدعهدی مستوری که داشته و بالاخره این انجمن شهرزاد تشکیل بدهد آقای نخست‌وزیر با مسئولیت همه امپدور، همه آماده خدمت چراغ خود را با این خلاف برنامه‌ای که منقولاً فرمودید بخوشان و اگر با کسی بکنید انجمن شهرزاد را اگر تشکیل بدهید عیوب کرده است و شهرزادها را فرغ کنید انبیا شود باید جناب آقای نخست‌وزیر برآمده شرفیاری بود که از استعفا در عرض کرده است چهار ماهی اولیست تا توغ نسکت نامی کند در هر حال گدا یا گمانیکه خودتان را صورت گدا در آورده اند نمی بیند ولی این آرموی سلطنت ما است آقای نخست‌وزیر بدین وقت که در میان - خدی حه بنده جز این کیلو شتری داشتند - این آستان خرقا که که مشتاقان مستوری بریدم سر چهارراهها را تو می بیند و چه چشم که منصف است سزای شما را خود فرزند آمده بآورد هر چه راسته اینها در دست در هر صورتی هم که چراغ خرقا در دارد دیده میشود مثل اینکه از خانه داده شده است و دو نفر از دو طرف می آیند و دو تا سنگ هم مشتاقان است این همه را برای بی اختیار سنگت بر ما فرما می کنند و بنده عرض کرده می بینم که عرض ما کوتاه کنم ولی در این طرف جودت نشانم هم که باشد بنده بنامی بروید و ببینید قابل تحمل هست یا نه - من میرفت هاتری را که امروز پیش میگویند را هانسی را در اندکی با ترفاتی خیلی تجلیل می کند بپولها - که گرفته بشد و بدای خود بالاخره پشتش و دانیست شایه دست در میان بی جای خود ها و این خط کسی خدا را داشتیم ولی هیچ گمانه اینها آن وضع تا کسی را بی اراد این ملک دست نکرده اصلاحات بد هیچ چیز دنیا چیزی بی ساخته نداشته باشد که در نظر خیابان در وسط خیابان بعضی بدین طریقه که ناملا منتظر آن کسی نیست قریب از می بیند که در این شهر از دولتی و شخصی باید تبریک گفت که آنها فوق العاده کار آفرین بکنند برای انچه این را اندکی که در شهر تهران است را اندکی نیست که بی مقدمه

خلاصی نه بکنند هیچ وقت جواز این مشکلات نیستند - پادشاهی که اگر از روی سینه فاش نشد روشها را از دست خودشان میبندند آنوقت میگوید جلوی من میبندم من جلوی خودم فرمازم اگر خطی کردی بکنی دیگر درست میشود باید حضرت عالی وزراء و معاونین و سایرین فرمائید که با قانون و مقررات بیشتر حقیقت دارین لایحه مشتم بود چه یک نمونه از دوروزن قوانین است من از جناب آقای وزیر دارائی وقت و از کتله خودتون منسؤل و صولی پول از مردم ندانید شما حاضرو که موقوفه هستید پولی را از مردم بگیرید حاضرو موقوفه هستید وقتی قانون بیکار هستید مثل یک بدعک خلی شریف قانون را دستر بستانند قدرت دولت را و بسلبهوا استفاده فراتر تجدید من مورد خاص را در اشاعه اطلاع نداری ولی بطوری که برای شما میگویم حقیقاً باید که این امر را برای شما تفصیلاً و بشان از این مجلس اطلاع بگذارم متینم این امر برای همه تفریح و این آثار و تفریبات مستوفی است قدر شده است ولی بشنای اینکه تفریبات او را با تیرود در کوجهی وقت از اجرای آن جلوگیری دیگر آسه آمده و بلا اجرا مانده است و به عیارت دست زردیست و اگر کسی حاضر بنقله بود من ضرور ندانم است بی توقع پیش از اینها کمال باقی استند این مورد در آثار آن دولت با خود پیشه بشود ببرد علاءی از افتخار از قانون بعد از این ما که کسی از وقت می آید و به شما میگوید که آن مطلب ما آن اولاد بقید میکند با تیرود که در صورت احترام قانون باید قسمه این نیست که شما را آدم مختلف بشام خبر از این انقلاب خیلی تابع بودیم و شتم فرمودند که باید میخواستیم از این انقلاب نرسه برآید بنابراین باید قوانین از طرف سزید که که دولت است احترام گذاشته شود مستفود کم عرض کردم و همینطور البته میگویم و در پیشو امجد دولت این جمله که تشریف ببرد بشنای اینکه خدمت ملت سران در کرد که در وقت تفریح برای مردم میگوید بکنید دستگامی زانده حذف قوانین که دستگامی استانه اقام بشود و بالاخره حقوقهای نامتاس و مکرر رسیده است تقاضا قطع بشد برای کراهی عمرانی توجه فرمائید آهائی جلوی باید که بهر موردی از آن زودن انجام بگیرد و ما اگر مردم

برورد که وام بگیریم زودتر و آنها رساند و این بدهم و بازمی وام بگیریم بکارهای بزرگ بکنیم تا بلوهای افتخار بدست نگیریم هوان چیزی که من از دولت مرحوم منصور دیدم از شما و بطوری که از حزب انتظار داشته ولی مشتاقان است و مشتاقان است و در املاکک این زمین برید نام منقد اجتماع علمای سعی کردید در دناله اوامر شاخته ازین بر مردمی آنچه که بگاید انبیا مستغنی دولتات و وزارتخانه بود و ازین سرودن دولتی و این نتمه خود شما هم میبینید آقای دکتر مستنوزری هم که اطلاع نداشتند (دکتر مستنوزری - خلی مستکره از اطلاعی که در اختیار بنده و دستن گذاشتیم) بنعم از این اطلاعی شامشماست جناب آقای نخست‌وزیر حضرت عالی در امریست که مستحق به توجه بیشتری هستی بزرگشکی نیست البته اگر آه از زبان مستنوزری که اولیسی می آید که حقوق ظالمین از گرد میبندد و آیا این بزرگشکان در همین ملکت دید همین شرایط زندگی نسکتند - آیا بیاحتیاس عمت سادانه آنها این کار که هر روزی که میگذرد و مسلک قانون اقتضا هم چیزی ضرور کردار میشود در تمام دولت و حتی که حقوق آهائیات است اینها باید بدوریز و در ذمعه است سختی یافته در حق برای ظالمین فکری میبندد یا برای بزرگشکان باید با توجه بخود بنده امیدوارم بدلیل توضیحات قبلی برای اختصار موضوع شمعما همواره مبارزه با فساد و برهانمان زانده و کارخانمان نادرست بخواهیم شمعما همواره مبارزه با فساد کارخانمان زانده کارخانمان قدرست دولت بعضی دوسل بالاخره بکنر یافته که بقیه ای دارد آه آنچه از آقای دکتر هاشمی در حمایت نسل جوان آرزو کردیم به تحقق پیوندد و سلوم نیست من وشا دی این دنیا باقیم نباید منتظر نسل جدید شغفلا با مستفوران است از دستگاه دولتی شروع کردیم فقط از آقای دکتر آرمز گادریسیم شما موفق شدید بهر حقیقه شامی را در کارخانمان تلمه بجهد با خبر دلی این مجلس مربوط به وزارت دارائی

تفتا نیست و اتفاقاً بقاضای قضاوت و فریاد و
 پیشتر حق و حقیقت شناسی و حسن اینکه کرامت دولت
 خدمتگر از مردم است در دستگهای دولتی تصبیم داده
 شود نعمانی از وزیر بیست و شکر فرای برای نمونه خوانده
 صفا شکر است نظری نیست بیست و شکر در امر
 است که باید جز برانه دولت فرزند بزرگبیر و
 خاطر و چند سلسله قدر بزرگ بود در خصوص نظریات
 هابوی شرفیاب بودیم فرمودند: «دوای امروز، قطعاً
 آفتی و کثرت مشند و تبری می در کار میرویم.» احوالمانند
 حتی طرز گذشتن سیزده ماه منک است در بیشتر فرسودگی
 دولت و در کار مؤثر باشد و حتی شانهش تا به آن اندازه زده
 بینی میکند همه جزئیات را توجه دارد و حرف خالی هم
 نمی فرماید شخص شما که بنیاد شما درست هزار و
 چند مدخل فرزند دارد، جویسه اینجا نباید این حرفها
 را دفع فرماید باز در تاریخ خلاصه عاریبم میخوانیم
 و اولیای کمیسیلی میآورد عیبی از جنبه آمروحاکم
 وارد آنگشته باید کسر بشود و مواد و نظام فقط نبود
 و باید از نظر آن کسی کمر خالی میکند مردم و کسانیکه
 سر کار دارند فکر کنید و در این محرومیت بنده نشین
 دارم چند صد لایحه بسجلی آمده در یکی از این لایحه
 از حق مردم نیست دولت خیری تیوه این را میگویند
 قوتی دارد دولتی در کمالیاب این لایحه چیزی تیوه که
 اگر مأمور دولت باعث تضییع حق مردم شد چه میشود
 شاید یک روزی در آندای تصور ایران این سیر کرایین
 حاصل واقعا دواوی آندودند ولی امروز که این بیشتر
 قوت نمیداد و بنده خدا همین نود قوانین که آنرا میگویند
 مثل خیابانی است که شما میتوانید از قسمت راست آن
 رامز و بیدان دست چپ را در برید این نوه اجرایی میگرد
 در طبع و تفریح و دستگی میخاهد یا دست به خطای این
 روی کار نمیدانند از این جهت که بعضی از نظریات
 ملت ایران حق مهربان نوازی است بهتریز نوبه حق این
 است نام خارجها که در ایران مأموریت دارند هیچ
 عنوان لاف نمیدانند همین محل مأموریتشان بیشتر است
 این ملت همان نواز و این است که اینقدر بدست نظری
 دارند با آنها سخت کرد ولی خارجها که در روز میآیند
 در ایران میروند این نظری ندارند جز برای اینکه ما
 مأمورین ما فقط نظریان را مأمورین بنام خود میکنند

و یکی - آقای تروی فرماید

مردم قوی - با آنکه مقام پارت استندیم با خود حورتم
 و ایستای تکیه ما از اوضاع متشکر باشد که اگر بپر
 جهت و لایحه است از اشخاص فرمایند بسیار دلپذیر و
 شین همکار عزیزان جناب را میدرد در موق طرح بودجه
 ۱۳۲۵ محرم مقدم ما بطرح لایحه شتم بودجه سال
 ۱۳۲۵ را نتوانیم این طرحها و اجران را بکنیم و همانطور
 که خلاصه فرمودید ما در این لایحه اینها را با کمال
 حوصله همانطوریکه انتظار داشتیم بسع قبول شدیم
 ولی امیدوارم حال که این امکنهای جناب ایشان بینا
 شد با خود نیاجانیکه بنده عرض خواهم کرد آن کمیسیون
 که در موق طرح لایحه بودجه ۱۳۲۵ نسبت به کمیستی
 بودجه فرموده لطفاً دستور فرمایند بنده بتوانم مسئول
 کمیسیون بودجه این توضیح مختصر را عرض میکنم
 خوبتانی کمیسیون بودجه و تری کامیاضی کمیسیون بودجه
 بر نشانی است که تمام اینها بنده فرمایند که کمیسیون
 کمیسیون بودجه خود بخاطر نام محبت است لایحه آقایان مستر
 مکنان در این خلاصه و آقایان میدانند که ما در موق
 طرح این در کمیسی که اولیای بودجه میباید چنگی
 را کمال - بنده بنیچو با کمال وقت و مراقبت سعی میکنم

شما احسن و نظریه داده که در کمیسیونها هر ساله دارم
 آید و همه ا صلاح است لایحه بودجه سال ۱۳۲۵
 تهیه اصلاحی که از این نامه مجلس بمنزل آمد فقط
 ۱۱ تبصره بپرداز داشتند این ۱۱ تبصره بحکم آییننامه
 مجلس صرفاً مربوط به فرمات اجرائی بودجه میباشد
 بنده از آرتیو دفتر کمیسیون بودجه اطلاعاتی گرفتیم
 که غرضت این سبب میبکند خوبتانی مربوط به بودجه
 سال ۱۳۲۵ کماشال ۶۹ تبصره و تبصره بود در جدول
 کمیسیون بودجه مورد رسیدگی و خوب فرای فرمات
 خوبتانی مربوط به بودجه سال ۱۳۲۵ شامل ۶۶ تبصره ۸۰
 ضمیمه بود در جدول کمیسیون بودجه مورد رسیدگی فرای
 گرفته و در ضمن این خوب نامه مسائل دیگری هم مطرح
 بود است که آقایان خوب و تبصره ضمیمه خوبتانی مربوط
 به بودجه ۱۳۲۵ که شامل ۷۰ تبصره و ۱۱ تبصره بود در
 جدول کمیسیون بودجه مورد رسیدگی و خوب فرای گرفته
 و لایحه بودجه اصلاحی سال ۱۳۲۵ کل کشور شامل ۶۹ تبصره
 در جدول کمیسیون بودجه مورد رسیدگی فرای گرفته
 لایحه بودجه سال ۱۳۲۵ کل کشور شامل ۷۰ تبصره و ۴
 جمله کمیسیون بودجه مورد رسیدگی فرای گرفته و لایحه
 بودجه سال ۵۰ شامل بطوریکه عرض کردم فقط شامل ۱۱
 تبصره بود در جدول کمیسیون بودجه مورد رسیدگی
 فرای گرفته و تانی بنده با اینکه این همه ضمیمه که کمیسیون
 بودجه فرای گرفت و در جدول مورد رسیدگی که لایحه بودجه
 ۱۳۲۵ صرفی داشت جلالت آن خلاصه بوده است البته
 بودجه ای که دولت است تقدیم مجلس و تانی همانطور
 که همه آقایان ملاحظه و تأیید و خوب فرماید با
 بودجه ای گشته تبصره خوبتانی داشت و تانی فرای قابل
 اندکی همه را بمانده که اینها خلاصه همانست
 آنچه که از تبصرت و فرمات جناب آقای را مید در اینجا
 احصای کرده اند یک در همین موقالی است که در وقت
 شد با آنها قرار کرده است ولی مطابق آیین نامه مجلس
 آنچه که در کمیسیون بودجه مورد رسیدگی فرای گرفته
 فقط رسیدگی که از رقم در آمد و تبصره و تبصره ای است
 که مربوط به فرمات بودجه است که چیزی از آن کسر
 باشد آن لایحه ناقص است و آنچه منصف بر این مسائل
 باشد در محدوده خوبتانی کمیسیون بودجه فرای نمیگردد

علاقت فرمایند یک جمله بسیار قطور کوازی
 ملاحظه سازمانهای اداری و ملی و یک قطور تر مربوط به
 سازمانهای وابسته دولت ضمیمه بودجه بود ولی اینها در
 حقیقت مورد خوبتانی کمیسیون بودجه قرار نمیگردد
 بلکه آنها برای تشریح مصلحت بودجه و گزارش مجلس
 بوده و شما در آن زمینه فقط این گزارشات بسجلی
 از فرای ضلالت دولت فرماید و بنده از آن فرای باند چنین
 گزارشی را در کمیسیون بودجه نخواهد رسیدگی که کما
 اینجا نوع این مصلحت افزایش بینا بکنند ماتام سال
 ربابیست صرف خواندن این گزارشات بکنیم شکر
 دیگر بنده از جناب آقای را مید استند بسیار کتانی
 بود که خوبتانی تانی و خوبتانی آن متوجه یکی
 از فرمات فرماید از جمله خوبتانی است در عین استاور
 خوبتانی همینست جمله جناب آقای ائرف احصیه در
 همان موق کما این بود که با تألیف فرموده است مصلحت
 آقایان بنده امداد کرده است با یک وقت آقایان ملاحظه
 کردم و متخیر هستم در اولین سبتاری که برای تومه
 نظیرت در جدول فارس در وزارت اقتصاد تکلیف باید مطالب
 بنده هم استدعا باین کتانی کردم ولی تکرار این سوال
 از زبان جنابانی که بسیار دلشین و بسیار دلپذیر انا
 میفرماید بنده را یاد فرماییش آورد که کما ترویز
 جناب آقای را مید باینکه در دست این تریبون ایراد
 کرده اند و از قولی یاد فرمایند بزرگه بود این که شاید
 افکار و بود تخته صحت یک مثنی و تانی تبصیر میدود
 که کما تانی است کما نظریات باشد تانی تبصیر میدود
 باشد یا قبلی تانی در مقام تانی فرای بگیرد (احسن) البته
 مستند خودم که بدلی را در گذشته فقط مثنی چنین
 سادگی را در دفع کرده اند ولی در حقیقت باینست افغان
 بکنیم که بسویقت الهی این سمت رامشلت ایران در این
 زمان و سر عشق اولی و این بود که آن را بخود دارم
 (صمیم است) همین جملات و فرمات تانی را که جنابانی
 از فرمات شانه است باهمر اینجا بیان فرمودند نوبه
 باری است که چنین افکاری فقط میتواند از مغز
 فیلسوف ما بانه فراتر بکند یک فیلسوف بزرگ کسی
 مسائل اجناسی ملکنش را به این خوبی و به این

صارت ترسیم میفرماید و باطلاری که از اسناد میفرماید
 باین تکیه میفرماید مرحله اجرا گذارده میشود حضرتعالی
 استناد فرمودید که اصلاحات لایحه را مادر این مملکت
 بنویسید ایجاب دارید که اسباب امین شده دنیا شده است
 اوردند نیست که اسباب این موفقیت در مرحله اول مدعیان
 امراد فکر و بر سر نام مدعی است که از نظر شورای
 شفاعت ما در لایحه کرده است صورت اصول ۹ گانه در
 اختیار ملت ایران گذاشته شد همین شفاعت است
 اینکه بنده عرض میکنم که خوشبختانه امروز قدوت
 سفتت ما با دانش و فضل توأم شده است و ما امروز
 چنین نصیبی را دارا هستیم جناب عالی فرمودید که
 بایستی همه افراد ایران بخصوص آنها که کسملان هستند هر
 موضوع مدعا را با بصیرت و وجد شفاعت مدعا بخوانند
 برضای سراسر و شکرگزاری فرموده می یابند و می
 بنده عرض میکنم این تهاقایی که باید ما ملت ایران
 هر جا هستی دیدیم و ببینیم تیرید باید باستانی
 کسر صورت خود داشته اند باهم را با جلال و ابرم (صحیح است)
 این حکم خدا است این صورت آسمانی است این جزو
 امضا و امضاء است از برام میدانم شکر خداوند را هر قسمتی
 که چپا چپایم خداوند است را که با صدق و سیرت
 « قن شکر تو لایذنبم » بنمایان ما که هر روز از
 چنین نعمتی برخورداریم و دستمده هستیم که تمام این
 نعمت از تو بوجود داشته اند را با هر صیب ما شده است
 شایسته است که ما در خرافات و دره ناپه بر کلام از
 این نعمتها که بر خورد میکنیم همگماوند شکر گزار
 باشیم (صحیح است) در مورد لایحه مشهوره که در دست
 عزیزمان شکر فرست شد و در حضور ما حاضر
 با قوانین موجود شورای فرمودید بنده باید نظر شما
 در مورد لایحه مشهوره میفرماید که این لایحه حاضر بود که
 ماده ۱ قانون مسابقت عمومی میگوید در هر سال یک نهم
 مجلس شد و از طرف نظام ریاست هم به کابینه موجود
 ارجاع شد و کبیر چون بوجه هم وقت باقی آن بر میماند
 داشت ایجاب داد و فعل آنرا اینکه سال گذشته بیا آن برسد
 گزارش آنرا تهیه کرد و تقدیم مجلس شد اما در اربع
 به اینکه گفته شده است لایحه را بجمع به ششم بوجه در امان ۲۰
 قانون ایمنی اشاره نموده است بنده توجه ننشاید گمان

معتروا ما این مجلس شورای ملی مسؤل میفرماید که در صحیح
 شده - معاشی که بوجه جانی هست ولی مربوط به اجرای
 بوجه نیست میتوان در ضمن لایحه ششم بوجه
 تقدیم کرد سایر این توجه میفرماید که ششم بوجه
 باید عمل قانونی در اوردیم با بند هم میباید و اسان نمیتواند
 باشد (صحیح است) خوشبختانه شخصی مسئول وزارت دارایی
 است که مگر در مورد نسیب و تعیین سابقه قانونی قرار
 گرفته و مسئولیت نظارت قانونی بر این است که این ششم
 صحیح و در صورت خود اجرا بشود بر همه ایشان
 است و مسلماً با اطلاعهای که ایشان دارند هیچ عملی که
 اسباب و دفعه خطای بشود نمیگردد برایش در خلاف
 قانون با عملی بر خلاف مقررات بوجه ایجاب پذیرد
 بوجه چون الیوجهی نمود خودی هم ممکن نیست بر غیر لایحه
 که بر می آید عملی بخواهم بر می آید در صورتی که ششم
 نیستند و اگر چه سابقه یک قانونی حصر مستخرج
 باشد در صورت بوجه عمل گفته داشته شده
 ننشود و حکم هر پراخت بیکتر من بیا خوب
 بمتره ۳۹ بوجه سال ۱۳۴۴ تأمین کرد جدولی الان صحیح
 امر باعث شده است که در صورت در کرمندانی که اجناساً
 مأموریتی درجانی دیگر پیدا میکنند پراخت مزایان
 قانونی آنها مثل مددخانان اطفا و غیره با اشکال قانونی
 مواجه گردند (کیهان بشانی - مال باین ما است) که
 ملاحظه فرمایند که مزایان چندین نفری مزایای قانونی
 افراد پراخت بدون هیچ امر شفاعت قوی از مراقبت
 دستگاه کنترل پراخت خاسته اند و با وجود چنین کمالات
 مواظبت و کماهی چگونه ممکن است صورت نمود که در
 فرض صوبیلا در ششم بوجه عملی بر خلاف قوانین
 موجوده و با پراخت خارج از موازات قانونی صورت
 پذیرد و بنده میخواهم با استثناء غیر مایش خودشان
 توضیحی که انوزیر دارایی ملکات فرمودند بر ش که
 دستگاه کنترل پراخت با قوانین مملکت واقف است
 و همچنین در امور فرجه عملی صورت ننشود گرفت که
 خدای نکرده تلفات از قوانین و تجاوز بجریم آن نصیر
 شود و با طوری که مزه داد بدهد از قانون و بر کتمان
 مربوط دچار افراشی و اجناساً امیر زندان و از این قبیل
 جزو درآمد دولت و از طرف دیگر جزو هزینه های

مسائل که فرموده بشود. خوشبختانه بیشتر تهاقایی
 ملت ایران از سال ۱۳۴۹ شمسی که تحول اجتنابی ایران
 بدست توانای المبعثران و رشادته نیز آغاز گردیده و بدست
 هم بدست توانای و جبر از طریق مراحل تکامل خود را طی
 کرد و بعضی زیباوالت و وفردی چشم گیر است که حتی
 از زبان آنها گذر آسانی نیست و اگر این مقیبت را بپذیریم
 ما که در متن هشتم آنطور که باید و شاید مطالب را
 احسان بنیکینیک باید بنشینم دیگران و خرج چها که از
 بیرون بسکلت ما نظاره میکنند چه میگویند بنده
 همین دوره قبل در روزنامه خوانم که وزیر خارجه
 ایالات متحده امریکا اظهار میکند که قزاقی که در ایران
 صورت گرفته برای احتشاشی که مصلحت بین این دو ملت
 را در ایدمان و حالا بیند و می بیند بفر کوهانی نیست
 و ایضا میباید است البته تمام اینها برای قزاق ایرانی
 است که با احتشاشی در صورتی که فرمایم و احتشاشی
 است که ایشان میتوانند در همین مأمورین معین
 اطینتر هست که الیهامات ایشان را بر حرحه عمل
 در میآوردند چه در وهای گفته و چه در وقت حاضر
 نیتوانیم بگوئیم که دولت خشنتر است و شفاعت
 را که برای شورش و امن الیهامات شفاعت بهدمت قرار
 گرفته ایجاب نداده برای اینکه دیگران میگویند که
 این بیشترها بعضی آزماست (خام قریب - این را
 جنب آقای رامید و رایجای مستحقین فرمودند) آقای
 رامید هم فرموده ایشان نزد با اصناف هست در مورد
 مسئله سابقتها خوشبختانه اندری در این ششم بوجه
 ششم میجدد خود دولت هم مشرف است که در این
 سابقتها اصلاح شود پس همین اعتقاد را دارد زیرا
 حتمگی که صورت با همای دوره در نظر حضور لایحه
 میسر در کمیسیون میفرماید که در مورد این لایحه
 مجلس با این فکر مخالفت میکنند و بدو گفتهای قوتوم
 میکنند که باقی ملاحظه قوتوم خودتون منجلی خودتونم
 که جنبش را میداد ام اطینتر را که کار با بعد از پیش
 عنوان فرمودند خوانم و اسباب خوشبختی است
 که باز می بینم دولت ایستار کرده است برای اینکه در
 ششم بوجه ملاحظه فرمایند عیناً این گردمان بکلفی
 جزو درآمد دولت و از طرف دیگر جزو هزینه های

وزارتخانه حاضر نمودند و بعد از آن در همین ششم بوجه
 که در آقایان هست ملاحظه فرمایند یکی از بیشترهای
 بزرگی که در مملکت داشته و بواسطه آنها یکی از ابام عبد
 بنیانی تر قمانده هستند خود میمانند جاده ها و مسائیل
 از اینها است اسبابها و بیست خود جانی فرمودند
 در گفته امروزه به همین مرتبه شده خود بنده در سال
 ۱۳۴۸ چهارم روزی از اهواز تهران آمده و بعد در راه
 ۳۰۲ چها از آنجا از بندر قزوین حلالا میباید با
 داشت چنین جلدیهای اشکافه مهیز می توانی این مسافان
 زایم تر در یک شب و این احسانان و زینتای اقتصاد
 و حفظ نظر مواردی که جنب عالی فرمودید نتیجه جلب
 توست است و این مؤثر است برای اینکه خود جلب
 رفتی در این بافته ها و ملاحظه نمودند که میگویم
 از طرف آن مملکت شرف میباید بر این با ملاحظه
 و سیمی که برای جلب دوستت و باز این کشفای
 هر روز از تمدن کهنسال ایران در گوشه کلوانی مملکت
 پیدا میشود و شای بکوت می بیند در آنجا بیان آثاری
 مربوط بشهر را برسانند این راه پیدا میشود که معت
 بند اطلاع میبندند که از این مرتبه با همت حرز آل
 تمدن ایران در شرف و زاری پیدا شده و اینها همه
 موجب است که چندین جا خوبست بشود من معتقد
 هستم که بایستی تلاش بیشتری برای جلب سیاحتان جعل
 آید ولی باید قراموش کرد هر گزای خدمتای و مسوجان
 لازم دارد و این خدمتای خوشبختانه شروع خدمت سیاحتان
 از مرتبه در آن کلان با کشتن روزه جلده خانی آدمیم
 ولی اصالی روی جلد امضا تکت خواهم بود و همان سیاحتی
 که سابقاً نه کشتن روزه جلده خانی میماند حال که
 میبند روی جلد امضا تکت خواهم بود و همان سیاحتی
 نماند کشته و جادهای بدین مأمور است که در مملکت ما
 اشکافه میکند مسلماً بیشتر خواهد آمد بیشتر توقف
 خواهد نمود بنابر این ملاحظه فرمایند که در اجاری
 همین بر نامه جلب توست است که واقفیتان برای مملکت
 ما با پیشرفت بزرگ که از روی بدست در از محضر متفون
 کوشش و تلاش است همان مماندانه حاجی که اشاره شد

بند مقرر به کیفیت و حدودی آنها اندازه و فی صحن با آنست
 اندازه بر فرازی است مسکوت داشته و وقتی با تو می‌نشیند
 فلا اندازه است از قهقهه می‌نویسد کند و فلا یک
 چنین مثل مجلسی را فراروی خود می‌بندد می‌تواند چند
 روز در آن را حاضر نشود آفت کند و وقتی موطن خود بود
 ملاقات کند با این راست در اختیار مایندگان مشتم
 کرده شد قابل تحقیر و تحسین است و بدینست که بود
 که چنین بود چه از انتقام کرد مانند یکی از نمایندگان
 سالیان بر نامه کرده زمان برنامه جزئی از درداشت
 صاحب تکلیفات منحصراً مجموع می‌شود دولت وزارت
 اقتصاد حاضر و یک امروز صحت شد تلافی مهمی را
 بعهده گرفته که حتی بقدم جناب آقای امین و وزیر اقتصاد
 در یک روزی اقتصاد فایده نظامی از تکلیفات مستف
 در یک روزی داشته و نه و یک وظیفی در یکجا مشرک کر
 کرده اند استقلال می‌بخشند جناب آقای رامید بطور
 یک نسخه ممکن است در یک وضع غرض واقع شود
 و تحت شرایط دیگری همان نسخه برانند تا بنابر این
 از دو رویه هر فرعی باشد شرایط زمامتوان
 و بعد از آن در یک طرف است باید توجه کرد که سیاست
 از دو رویه است اقتصاد و تجویز این نسخه مبتنی بر سه
 موردی بوده است وقتی تاریخ چهل سال گذشته ملت
 در جنگ می‌بینیم اولین سیاستی که انحصار قدرت
 بود جمع اجرا فرمودند سیاست منکر بود و با کمال
 شدت و قدرت این سیاست را اعمال فرمودند و در نتیجه
 اعمال چنین سیاستی بود که ملت در اثر هرج و مرج و
 ملوایطواری پاره پاره شد یک نیت بخشدید نمودند یک
 ارتداد از ایران زمان حال از سیاست منکر که اقتصاد مکتب
 است امروز ما مطلقاً باید آن را منسوخ کنیم سیاست منکر
 در آن زمان فایده بود با اینکه سیاست عدم تم کرد در این
 زمان شرط اقتصادی آن زمان آن بود که تم کرد و ثابت
 باشیم و اقتصادی نیست که منکر شد ناشی است
 شوری فرمودی باید با خود خویش مناسبت داشته مطلقاً
 وجود پیدا با هر فردی که ایجاد کرده است تطبیق کنیم
 شما میبینید اداره گمرک یک وقتی منسوخ وزارت دارایی
 بود فلشاه این بود که چون گمرک بزرگترین رقم
 درآمد ملت کرد تا همین میباید با نهادن بیستی جزو وزارت دارایی

بند مقرر فدیگر چون کرد در حال حاضر می‌خواهیم و
 برای اجرای سیاستی اقتصادی مقهور منابع بود
 است که نمایان می‌شود سیاست باید کرد بر نظر طراحان
 اقتصاد مملکت ترز بگریه گاهی این نظر بعا با هم جدال
 می‌کنند و نتیجه این می‌شود که اداره گمرک از وزارت
 دارایی منتقل می‌شود می‌رود جزو وزارت اقتصاد و با همس
 و گاهی هم صورت می‌گیرد از منتهی استقلال ولی هیچک
 اینها بدون ظفر نیست جناب آقای مشدی و قییکه ما
 بعد از انقلاب شش و هفت در یک مرحله تحول اقتصادی داریم
 و گمرک که بشر سابقین اعلام مکتب لازم است داشتن
 یک برنامه صحیح و رایسان این برنامه باید این نظر
 عیب گرفته نام تکلیفی که در اقتصاد مملکت مؤثر
 هستند انطباق یابند در یکدیگر و توان یکدیگر
 بوقت و شاید در بعضی موارد این مورد ضرورت نداشته
 شود ولی ما بطور کلی تنظیم یک مسئله اساسی بطور
 کلی می‌ویا یک مسئله را مطلقاً اثبات بکنیم بلکه
 باید باطل و صحیح مستف هم توجه داشته باشیم و یکسما
 یک موضوع است مملکت از نظر تجارت گمرک
 باید حالت کرد لازم این امر آن است که اداره گمرک
 زیر نظر وزیر اقتصاد باشد و قییکه ضرورت دارد مسلماً
 اگر جنبی نخست وزیر احسان کرده که این مورد نیاز
 امروز دیگر وجود ندارد این تکلیفات تیره
 می‌شود و بیستوی قرار خواهد گرفت که بیشتر منبع
 مملکت بند برای اینکه در نظر نظر اینست که بیشتر
 بملکت خدمت کند بیشتر بملکت منتفع می‌شود بیشتر
 در ایام ایام شادمانی که مؤثر باشد (صحیح است) اما
 بنده می‌توانم یکی از تاریخ برنامه اقتصادی تصور اقتصادی
 را که استوار است ایران داشته باشد و باید دید
 عنوان کنم بنده ممکن این نیست که در اجراء این برنامه ای
 احیاناً یک نظر شخصی من ممکن است وجود داشته باشد
 و یک شخصی می‌باید داشته است از این جهت این تصور
 حین استاده کرد و بیشتر برای مکتب خود استفاده در
 هر مملکتی در هر وقتی چند زنگهائی هستند که در
 مسیر این جهت قرار می‌گیرند و از این جهت استاده
 می‌کند ولی این دلیل آنکه آن جهت است حتی شما
 می‌بینید در پیشین و بعضی زین جهت که جهت خدمت

استلامی است برای شناسایی شده که خود را در مسیر
 آن انداختند و با سایر گروه میلیون خاتم کردند گمرک
 منصرف از این گروه است اعلامی که دوازده یک برنامه
 تحول اقتصادی هستیم بایستی نتیجه کار را در نظر بگیریم
 ما در این نتیجه تحول اقتصادی و حمایت از صنعت مملکت
 آیینان مربوط بود که سیاستهای آیینان بر منتهی شد
 که اقتصاد با برنامه داشته است ما را می‌توانیم با سایر آیینان
 دیدن فرمودند چه اختفاری از این واقعاً و چه تنظیمی از
 این برنامه منتهی شد و تحول اقتصادی مملکت که
 توجه کنیم این برنامه و جهت نظر شخصی که منتهی انتیام
 اواسط استاده بود است می‌توان نمود که سیاستهای
 آقدر اولی که این اعطی است داشته آری بعضی
 سایر آیین دیدن فرمودند (صحیح است) و در این حال
 هم هیچ نیست اگر در راه رسیدن یک اصلاح نظامی
 هم بعضی که فتوری که می‌رود و هیچکند و یک بهره
 را حتی که ۲۰ نفر هم که تصمیمات تلفات بنده و هدف
 موفقیت می‌توان رسید با بلز برای کرد و نتیجه را در اختیار
 نظامی که می‌دهیم در نظر گرفت، باید باطل مطالعه کرد
 که آیا بوقیتهائی که رسیدیم در مقابل اگر نظامی هم
 دادیم قبل نخست حتم بایست بنده ثابت کردی
 مانوق اعتراف است (صحیح است) همین منابع غذایی
 در مملکت ما یکی از منتهی است که می‌تواند بواسط
 ضایعاتی کشاورزی بیشتر است که می‌تواند ایات کشاورزی
 ما را همان سوستانی که با یکدیگر استفاده قرار گیرد
 دلیلی باشد که وقت در فکر و در فکر و در فکر و در فکر
 می‌باید که کشاورزی ما منابع غذایی مان توسعه پیدا
 می‌بازد که کشاورزی ما منابع غذایی مان توسعه پیدا
 کرده است برای اینکه اگر منابع غذایی ما آقدر
 توسعه داشته باشیم تمام ضرورتها ما را یک سوستانی
 که قابل استفاده باشد در می‌بازد
 و بعد از آن استفاده کنیم و به کشاورزی
 که لازم دارد ما داریم و کنیم ولی امروز ما مطالعه می‌توانیم
 اگر محصولی ما را در مصرف مملکت فراموش کرد چون
 منابع غذایی ما آقدر گسترش پیدا کرده تا چه مکتب
 با این زمین است کشاورزی ما را در نظر خار و در زمین

فرماندهن زرگور - سناست منتقدی است؛ و این دلیل نمیدهد که من سعی از فرمایشات جناب رساند را تأیید نکند و از تذکرات ایشان استناده بنام حساس تذکر اینکه غالباً جناب آقای فاضل وزیر میرمانند که مورد توجه و ستائنده دولت هم قرار میگردد و اجازه میبوضد یک نکته‌ای را متذکر شود، هرچون مستی احوال از غایتی و غیر غایتی که در اجرائی بر فتنه شدن مسلك ایجاد میشود، قریب میبواند تا بیست و سی سال پیش از خرومراضات باشد و بیاید کتبه گلان خود را منقوش فرمائمان سمت ایران و جمله ایران سرمنی کند که هنوز آلمان سابق و سایر ستابع دیگری را ایجاد و یا تقویت نماید و تنوع ما مؤید کاندازوی مافراد کبردیوسو ستابع غنائی در این زمینه میبواند. عوامل مؤثری بحساب آید - بنده در دانشگاه کتبه گلان برای حصول دیدم که قریب ۱۰۰ سال آن را از استخراج و استخراج میگردد که اگر احیاء شود مسلک توکلان میفرودتن عین آن را زیباراستختیوردن و ۱۴۰۰ سالان میفرودتن خوب باید به این سمت سبب کرد میباید آن آفرین گفت منتت و روشن بنای هم و دقتی متبادله برای آید دارنده گلان اسباب مباحثات شد که برافه آنها با یکدیگر خراشیده شد نظری است که دست کاندازوی ما را بگیرد و مساعفه مانع بدهد. نگارشان در اختیار او بگذارد تا داععی روشن برای آنها تهیه کند و آنها در خراشعای خود مسوس ملکت را صرف نمایند بالا اگر قورایشه که کفر باشد، رفتن سالی موجب آن باشد که به کنایه از مالا یکتایی کتبه گلان میفرودتن عین آن در آن جهت صحیحی کما غالب آن هستم اینست (استنتاج است) خویشتان بنده آن تدریدیم کمنکر کتبادردعیانایان کرم بر آسما دونین سلسطن هستم که این تذکرست که دولت داده برای آنها بنده کلسطن شجرای چین برقیه میماند این آنها سر فزاینده اقتصادی بارشما اگر آن در ضمن تشریف بر میدلانده خود امید فرمود که یک انگگر کتبه غلیمسوس برای کتبه غلیمسوس هست که مواد را برونری و با ایران وارد کند و بدینا بدهد کتبه غلیمسوس به مناسبت فتنه منتقل نمایند و سپس آن مواد اولیه که از خارج وارد میکند کتبه غلیمسوس همین در بدیل به روشن میکند شاید برای کتبه غلیمسوس ها با صرفه‌ای باشد که این کور

در دستهای و دروازه سلکت میبشود کموزر علی‌هم‌ای افتتاح خانه اضافیه؛ آیا عزت کرده است اجرائی بنیته این عزیز کموزرین حال برای عینی کما میبشود قلمو آشیرو انبست قضاوتی رومانستین سلکت کتبه غلیمسوس از فقر قلمو به اتهامات غنائی ششدها روز پرگزارد است بدست حسین دستگاه دادگستری روز بروز درون توسعه باید میبشد (حیسی - از آقای دکتر عیون باید تشکر کنم چون فکر ایشان باعث تشکیل آن است) فکر ایشان نیست فکر مربوط است به ذات اقدس شهرداری که نمایان شرفها و تمام این اشکالات را که ملاحظه میفرمائید. (حیسی - شیاهون منگی به وزیر دادگستری میفرمودم کردم حق سلب را باید ادا کرد) بنده نظر جنابالی در تأیید میبکند و بر فرمایش جنابالی امانتت خود نمردم بشرط اینکه خود بیشتر بر شرایطی است که شلرا هم در نظر نامم - یا بنده - اضافی میبشود که خاتمی را بنا کرده است (همه آقایان سلکت که انقلاب ما از چون ۴۵ شروع شد است تا برای تمام مؤسسونی که در اجرائی اولیای سلطنته و فرمانم این انقلاب و بی‌انجاری این انقلاب و بی‌وسمی برده داشتند به بی‌انجاری منخر هسته اگر جناب دکتر باقری دوره وزارتتان توانستند قستی ایشان تخلعلا جرمه عمل میبوشند از نظر اقتضای این اربابان و قلمو از این اختلافات مهمی دارند همیگی منکر اختلافات کتبه گلان در خدمتدی در بعضی سلکت را در ضمن این سالها فراموش کرده‌اند اینها همه خدمت گزاران پادشاه سلکت میبوشند مستخدمین که دولت کوپو با یک ترکیب سیاسی صحیح و منبسط مستحضرینی که بر زمان شاهنشاهی قلمو باسناد جنابالی در دارد تشکیل گردیده و راهپاوری که دولتیای گذشته که در اجرائی برنامه انقلاب شد و ملت یقینیه را ایضا نوبه‌اند احساس اختلاف میبشاید حزب او داد و ستد عزیز به هم خود نسبت بر طبقی که انجام دادند حق دارند و بر میبایزید در عین حال اسناد مشورتی بنده و دقیقه سنگین تر برای منباید لی حال صلی مراب نافر بر آن نیست که اختلافات کتبه گلان در خدمتدی بنده یادیده بگیریم جناب آقای دکتر باقری همیگی از خدمت گزاران

هسته که جبری این بیان بوشاند (آخرین) البته دیگر دادگستری منمکلتی هست و اگر خاطر آقایان مسترم بنده در جنبی قبل از آن افسان شهرداری بمان نکشانه فرمودند بنده دخلی خودتوم که دیدم وزیر دادگستری در لایحه تعویذ اسامی وزارت دادگستری کمرای صوب میبشد قدم میبوشد نمایان آن مسائل که مبتلا میبشود در صلی هم اشاره نه در آن لایحه بود البته عواملی که باعث در کوهگرد نه دادگستری است یکی و دو تا و چنانچه نیست عوامل منتقلی جرمه است باید قوراین مازسانی عدالت برده تطبیقاً ابرواح و احراز و اشکاف ماملود احوافاً غناید غناید نکره یعنی از مؤسسون دادگستری در اجرائی سالیان گذشته میبکند تا به احوال است که میبشود این بصوغ و بی‌بهره که مردم بازار دادگستری توفع دارد به سیکردن این بدستگاه است که خود وزیر دادگستری هم به آن سخن است و کسی منکر نیست اگر آنگه وزیر دادگستری که وقتاً بعضی ایشان در امور قضا سابقه ایشان برای ایشان یک جبری ایجاد کرده است به این مسائل لطیفین شاهتته هر آینه بتقدم لایحه قبول اسامی دادگستری بجزوت نکرده عین که وزیر دادگستری باسنادوزین خوشتان و استقلاظی نظریه که در این نوبه است متفق کمدن است و بنده در نظر میبکند این دلیل برای این است که باید در دادگستری سلکت بکضول اسامی بوجود آورد بنیید در این لایحه قبول اسامی جسمالی کجا میبشده است یکی بعد از آن بهان لایحه و کلای دادگستری بود که کخیلی ایجاد فرموده کرد و بعد از آن بهان به آن محبت بد راهپاوری که در هر فتنه‌ای خوب است به هم دست اند میان و کلای دادگستری افرادی را بنیاید و افرادی را با شرفی دارم و در عین حال ممکن است در کوهت که کتبه غلیمسوس به مانند که در ذی‌حجرت طله‌ای در آمدند و بدخلی مشتاقانه با یکدیگر میبشود و کتبه غلیمسوس از این برود حسین ماست؛ البته که کتب بوجهی کم بنده یک بدعادت داشتند اگر سرامم باشد بدینست بتوانم مزاج عرض کنم؛ بنده ایجادید رفعمود باسنادین و از فرجه دیده و آفرینش بر طبیعی کمنکر ایجادان

صورت اعجاز در دنیا معرشی کرده است زمین کرده ، چون این اقتضای بار خنجر پیدا نکرد بود ، یکی از چند جانی که بر می من چیزی بدین ماه موز بود کیبای جلفی از طرف بود که در آنجا فرس مندری از زندانهای ایران از خود موفی بعد وجود دارد (خواجہ نوری - استاد افتخار ایران است) اولاً وقتها موز است بنده آفتاب یک فرمای از ندرت ماقتار دیده که از آن برای شایعیت خوانم عدای از اطفالی حلقه شگایس میکنند که من شگایس نیست مرشده و انت کشرین بندگان راهبای جولامه که همان جلفا باشد - نیاز سودا گرفتیم بود که سیر کار خود متوفی بستی وقت و وقت او گفتگو روی میهد که رجوع بشرخ و عرف میشود چند نفر کول در اصفهان بهم رسیده که میآیند از طرف مدعی مدعی علیه وکیل میشود و دعوی را بطول میآوردند و اختلال در کارها بهم میرسد این امر باعث خرابان کشرین میگردد که اگرها درود کفر مبارک طلاع نفت و مرصحت فرماید که دریده کشرینان دعوا داشتیم درصحن حاکم شرع و حاکم عرف و کول دخل شایند که مدعی مدعی علیه دعوی خود را حل نمایند که آری نه موجب دعوی خیر خواهد بود. فرمان درشته ۱۳۵۴ فرماید

بطوریکه ملاحظه میشود مقرر شد قضیه کلا و تراحت ایجاد کردن امر تراحتی نیست مگر از زمان ندرشته بطوری که رعایای کشرین جولامه شکت سردمان و ملاحظه میفرمائید اسپین بخت بودمان از حبیبی زمان ندرشته قانونی روشن میگردد حالا چراغ حق است یکی از اطفال کلا که با ما است بعد از موز چون ندرته است که البته بنده وارد این مسائل نشدم که چرا اصولاً زندانهای باستانی زندانی پیدا کند و ماچرا باستانی زندان داشته باشیم و اگر و در عوضهم زندانهای ماخالسی از زندانی شود چه مقدمات و شرایط لازم داریم ؟ چه زمان مندری کول طغیان ندانی شدن این است که همان زندانها را در آجا تربیت کنیم ، تعهد اخلاقی بگیریم و موجدانی فراهم کنیم که وقتی دوره سنگ آبی تمام شود بدمان اجتناب فرستند اگر آدمی باشد، و افراد بسیار جملمه باشند ، خوشبختانه بعد در حدود موز از اطفال خود

احصا کرده که وزارت داد کسری به از اطفال وضع زندگانی زندانها وجه از اطفال تربیت آنها و همچنین از نظر تهیه مسکن اقدام کرده است ، زمره زندانی که خوشتر است هست ظاهر برای ۴۰۰ نفر ساخته شده ولی پیش از هر امر در آنجا زندانی متنبوع بسیار استفاکی دارند که خوشبختانه در برنامه های سال جاری دولت ملاحظه کردیم که در صوق طرح بوجه و خوشبختی که آقای وزیر آبادانی مسکن دادید برنامه زمینهای دوسر ساله در مملکت حوزة راهای اساسی و برنامه های قبیلته وزارت اقتصاد و ایجاد وحدت برنامه باعث آبرومندی انعام این کار شده است اگر دستگه سازمان آبیرو ق خوشتر نشود اگر تک تشکیلات برق آبی مهندسی کفایت نیابد و این امکانات را در اختیار این مردم نگیرد یعنی متوانست به چنین نتیجه ای برسد اگر در طی مراسم و این امکانات را در اختیار این مردم نگیرد یعنی متوانست به چنین نتیجه ای برسد اگر در طی مراسم هزار کیلووات ترقی بدهیم که اگر یک سالمانی باشد کالین برق انحصاراً را بمانند هر چه بگویند می توانست به خوشتر شدن را بمانی خوب و یکتوی ایجاد حدت بر اینان هر کس در اینکار خدمت کرده باید ابراً ستایش کنیم و سیاستگاران با بنشین خوشبختانه بزرگان فرهنگ (چند نفر از نمایندگان - وزارت آموزش و پرورش) و بده وزارت آموزش و پرورش و بزرگان فرهنگ معانی هم خوشتر موقیتهای زیادی بدست آورده امروز ششایان احصا غرور و افتخار را کردیم که با ستایشهای ایرانیان کوهیهای تاریخی از انعام میخانه ما وقتی در خدمت نهوضیات آقای کتر نگهبان - با اتفاقاً خوشتر است ششید همه احصا غرور کردیم برای اینگونه فکر نیکو کردیم که در زمینه سیاستهای هم آهنگ بیشتر کرده باشیم که از اکتیس های خارجی بر نیاز با بنشین و امروز افتخاران کهن بل بی خودمان ای میمانیم با دست خودمان را در زمین خلیج کیم (آنحکبان - بر شریک بنگارند خارجها که کنند) جنب آتای حکیمان البته در حدود احتیاج و وزیر زرافرا او خبره و بعضی ما بویده افاضات هستند و بعضاً وقتیکه احتیاج مملکت بکفر بر طرفند و نیاز بگرفتاری خارجی بود این خلافتان است که با وجود کارشنان داخلی ما متحمل با نسیان گوناگون

خارجی بشوم و این همی است که ادوکت باغفر مان شایسته ماچرا اینکندمگر شما در قراوداری بنیکان گفتند بنده این که ما بشرط کاشتیم که با بنشین و مسل ندرت مستصین خارجی بر کارمندان خارجی درش کتشی وقت بعد درسد برسانیم یعنی همی با بنشین این است که ما باید در ظرف ده سال آقدر کارهای غرضی وقت بعد نمائیم که اینجا ما در سد از کارشنان خارجی در تشکیلات غشی ما انعام و قیقه کنند این با بنشین است که شایسته ما درده ما لا یرین سطح فرهنگ ما و تکثیر کارشنان مسلک در تمام رشتها دارند و در تمام اجرا میکنه ما انشاء صخره که زودتر به همی مهندسین با بنشین باشد و انعام و اما درده و تملیو تربیت بنده با بنشین وجود برامشات جناب امید مستقیم و قیقه دارم همه نمایندگان محترمه هم مستعد که با بنینی تملیو تربیت بیوزان هم بیشتر باشند. این طنی که بیوزان آن تربیت وجود داشته باشد من است ، بک دروف کسری بیسای اینکه دانشرو است راه خدمت باید که دروف کسری و نسل ستن کلا دارو بیشتر میزد در بدست تکلیف این کارها را بمانند کتیبود ، ما وقتی آیات قرآن کریم را مطالعه می کنیم باره تملیو تربیت در کتب آسمانیان میبینیم که این راهها یکی بیوزان است (یکفر از نمایندگان - همهش اعصاب است) بلعنهش اعجاز است که این کارها بنیصوص چنینوجه میکند وقتی سببنا این است که اول باید با بنینی تربیت می شود و در مطالعه حکمت از خواندن این اولیاد برای این دوستان پیش اینست که تربیت بر طمق فستاد این امر است که همه ما مستحسین و مند آتای بنینی کوزان را و در ویوزش در رسیدن با این هدف موقیتهای بسیار اگر دماست ما خودمان ناظر اواران خبر حکیمتالار می بودیم و دستمال کفتمی میبینم که فخران ایران در این مدارس و تشکیلات ما چگونه کرده بودند و این روشها چگونه جوانان مملکت را چگونه کرده بودند ، عین وقتیکه برای هر کس نظامی میجه های مدعه ، دانشکده را از پیشوند بلند کرده و برنامه باد و مرده بود می کشاید ، در این روشها نمایان میبینیم که وقتی فرهنگ کارشنان اطفال نکر در جشنهای بسید ، بنیصین

ساز سفلیت بر افتخار شاهنشاه امرا شکر تک میگرد
 سرب افتخاروزبان آموزش برپوشش آرد. و کتیبه ما
 مینویسند فرهنگیان مملکت بنگار و یک جهت مملکت و دیوان آموزش کرامت و دانش جوانان بر نامه
 خامی برای شکر گزازی از برف خلسر از خود شاهنشاه
 انبوه میهندمانی امرا برای افتخار آبیاری است. این نمونه
 نیزه کفوری در دستگاه کتلور بود و در این ماست من
 الا کتفی داره از دانش آموزش یک درستان در اهواز
 که نمونه غرور ملی توانست این تحول چگونه بوجود
 آید ماست در نتیجه نعمتانی من طولی در همین فرهنگ
 هسته گمبستاندیک چنین تحولی وجود یابد و بنده را بر این
 ما متواضعان اطمینان داشته باشیم که ما از نظری صرف
 فرهنگی دمسیری هستیم که نه تنها طلیعات و دیوس
 بیجا بود و دیوبودی و مصلحت است بلکه در راه رسیدن به
 آن غرور ملی که در شکل است همین به حد افکار امروز
 بیشتر است میکتیم. اما سیاستهاست و وزیران سیاست
 هداست بگی دیگر از افکار درخشان یاد شده از پاره
 ماست ولی این چنین فکری بایستی از قوهی فضل دریابد و
 این دستگه وزارت بهمداری است که افتخار انبام این
 وظیفه دادند و بدنگه ارتش ماست که توانست است این
 جوانان تحصیل کرده و ملامت بندهم را تربیت کند و در
 اختیار وزیران بهمداری بگذارد تا آنها توانمند ملامتی را
 همراه خود هداست در افتاده بزند (سجح است که از
 اهواز می رود به اجتماع بزرگ که بر پایه شکر گزازی از
 رفیع خطر از خود شاهنشاه در مسجد جامع تشکیل شده
 بود پس شرفین مستحالی که امروز ملت ایران از آن
 بیخورداد است کتم! اگر در گذشته بزرگ روستاییه یک
 مرتضی سراف میزند از افتخار زایل بود ولی امروز
 طبیب سیه بهداشت ابالی بی سرخوش منیدین امروز
 دولتی که در دسترس سیاهان هداست در گوشه و کنار
 مملکت قرار دارد حتی در بیستهای اطاقی هر دم پیدا
 نینمود، اینکار را که انبام میهد از این کار را
 وزارت بهمداری انبام میهد بندهم میبشید که در روز وزیر
 منتر بهمداری در یک گوشه مملکت کلابی بیجاری و برانی
 افتاح میکند اینها پایه گلابی هداست آینه مملکت
 ماست. ما تا اینکار را انبام ندهیم سیاستها بی آنحض

۱ دکتر حکیم نوشتری. طرح اجرائی بنجاله است) یک
 خنثت یک روز وزیر پرستونگر آقای فرت آمدند و بعد اهواز
 که اولین کلنگه ساختمان کلنگه سفین خودکارها در زمن
 بزند در آنجا حد الموملوس منجمنی شد بندهم یادداشت
 که هر وقت که هوا باز توانستند در شهر خوشان از این
 نطقها استفاده میکنند. مجلس شدن شد که یک چنین
 نطق در اختیار ایشان گذاشته شد است من تمام اهلی شهر
 را جمع میکتیم و بنشا لقب منجن اصحاب میدم (اینکار
 از زمان بنالدک - ده زیان عمری ۱۹۰۶ که در زیان عمری
 چه اشکالی دادر برای اینکه باقی اصحاب ما از دست
 این نطقهای دراز بگریزیم و باقی اصحاب ما در واقع خشک
 بیان فتاح اصحاب ستلا بودیم. آرزو ما مواجبه با یک
 چنین مشکلی بودیم امروز شما منبینه اقلب شهرهای
 مملکت ما دارای نطق خودگرا است (اینها - منسی
 است) وزیر پرستونگر آقای بافتن (۱۹۰۶ - یهمنه زوری
 که آمدند کلنگه را از زده یاد نمایند. ما کلنگه شخصی
 یادند که صلاح مملکت است جناب آقای افتخار از جمله خراب
 باشد که کلنگه مم بدرت من تصور (خدمه نمایند گئی)
 ولی حالا شما ملاحظه میفرمائید از ختم تحقیق بنیادمان
 تعداد نطقها چقدر است (وزیر پرست و سنگراف - ۱۰۷
 هزار) ۱۰۷ هزار در تمام مرکز استان که بندهم مسافرت
 کرده ام که همه را دیدم اکثر آنها نطق خودکار بودند
 است) مشکلاتی که در کار کلیر دارد هم یکی از دو مورد
 دارد و بر طرف میروند اینها یک طرفه مادی است که دولت
 شروع کرده و یکی پس از دیگری دارد بر سه اجزا
 در میاید شبکه ۱۵۰۷۲ که من اهواز و تهران و سایر
 شهرهای اهلی جنوی از دهه پیش شروع بکار کرده
 زبختکلات ارنیظ جنوی را این برود و یکی از هسان
 مشکلاتیکه آقای رامید فرمودند در حق آقای وزیر پرست
 و سنگراف و نطق و نطق برای افتاح خود ۱۲ کالی. برای
 ما افتخار. آرزوید داد آقای علمای اهلی بزرگ بر سه دست
 ملاحظه کنند که در واقع نطقها هر چند در صورت عمل
 میپذیرد ایشان فرمودند که این روزها هسانیکه مشاهده
 میکنند بندهم در اهلی پرست که در اهلی کالغ نوشته بانیم بلکه
 اغراضش همین شده حتی قسمت هم شده برای عمده ای
 بنیادکار هم تعیین شده دستور هم بدهم داد پس اینها

یک کله کله است که واقعاً شده ولی هنوز صورت
 نظاره و دید در نیامده و ما ممکن است چه زمانه پنج ماه
 و حیجاناً همه دیوگر شایع این قضایاها ملاحظه کنیم
 بندهم مستخدمه که شاید درجه وزارت اطلاعات کتفی
 برای این افتخاری که کماداران با تشکیل در مقابل خوشبختی
 اینان افراد جاهلگری در این تکلیفات وجود دارد که
 جبران این کسی انبارت را که بر ماند عملی از نژاد خانه
 خدا که ازین افتخار هم راحت بود که در اهواز بندهم
 مسحت کردند که در آنجا اقوام مختلف اسلامی جمع
 شده بودند از ما می پرسیدند اهواز کجا است
 نصب کردیم که چطور شده همه این ها سراغ
 اهواز را میگردیم که پرسیدیم کجاست ما اهواز چکار دارید؟
 کتفدماری این است که منبینه را دیو اهواز را گوش
 میدهم نویسی، مرا کتفی، اجباری هر کس هسته که
 مایر تمام دیو اهواز باشد! گوش میدهم و این را یادیده آهالی
 کتوانت است. و یکیش از اینها میدهند و تمام
 امکان که در دستشان هست از آقدر خوبورد است
 میبندد که مردم کتفدهم و دیگر سراغ شهر پرسیده
 این اطلاعات را از ما بگیرند تحریک کتفاسوی کسری
 زبان عمری را ترویج میکند و این دست نیست و صلاح
 مملکت نیست. این نشانه است چون این محبت را
 کردید باید این را نکواری کند بندهم زبانی که
 آطور کتفدهم و رشید آشنا بقیضاتی که دور از نطقه
 نشان میبندند و تمام خوشان تک اقلیت بسیاریار
 که چشمشرب زبان و با بهام از وفا دارترین افراد
 ایرانی هستند اصح است اینها از ایرانیان اصیل
 هستند که زبان عرب صحبت میکنند اصح است اینها
 ایرانیان اصیلی هستند که ملت مملکت است کتفاه
 همجواری اینها همچنان شیه آهانه است ما چه
 میگوئید شما در مجلس چند زبان گوید خوشانی دارید
 لهجتمصلی ما علی زبان مظهر زبان فارسی است زبان مردم
 من زبان دردی فارسی است بندهم کجا عرب هستن اموسوی
 کبیری - عرض کردیم ترویج میکنند زبان عرب را ترویج
 میکنند تمام این مناطق خلیج که در محدوده رضایی
 فرستده هستند باید از اطلاعات مملکت، از پیشرفهای
 مملکت اطلاع پیدا کنند شما میفرمائید من برای افراد

خلیج و از زمان تاجیکستانی برآمده اجرا کنی حتی من در کفر اس توسعه نواز را بمنطق خلیج پیشنهاد کرده که عزیزی بدهد که آنکس هر تجارتي بزبان عربی در پیش برایش نشود محصور آمانه ایرانی بودی من و نواز ایران را متذکر شویدی (دکتر کیم خوشتری - را در میوهان بزبان فرانسه و انگلیسی سر میدهم برامش از راز و ابهت او در بار کرده خیلی هم خوب کار میکند و جلب توجه کرده است بنده من و نواز ازینکه متعهد میشوی صورت یک بشتر بکنی یاد بکنم بنده باهضم عسکران عزیزه امی اغضار پیدا کرده که در مسلحان کشته در خدمت عسکران لوجه خوده جناب آقای دکتر شفیق امین و چند نفر از عسکران دیگر بدینصورت فرود آلمان بشکند آلمانو اروپا مسافرت کنم این اول سفری بود که بنده از مسلکات خود فراموش کرده بودم و بکندهای خارج سفر میروم که وقتی وارد کوریک بازرگان شده بدون اینکه کسی اسلحه باشد با من شامش از کور نظارت میکردم و مهم آمورشی بودم ؛ در اینجا بمناسبت کتف نام از اینکه ما آمورک نامه است و در خدمت نشین است آشفد میفرمایند و ادب و تواضع عمل کرده کمین واقعا پیش خودم خوشحال شدم که در اولین نقطه مملکت انضامی که وارد مملکت ما میشود باید چندین چیز مهمه امیران و عسکران زیور میشود و خوشبختانه بداد خودم شده که متصدی آسیا است که آنجا برود درین حال عسکران نیز با آن قدر نامنی است بنده بدم یک کتابچه باخط بسیار زیبا تنظیم کرده بود که عثماني از جناب انضامی که آنجا آمده بودند ام از ایرانی و فرنگی داخلی و خارجی در آن کتابچه با خط خودشان را نوشته بودند درین حال عساکر که فرمودند بندهم مستقیم جناب آقای بندهم نیز فرمودم یک کارت عثماني که با پیشی مساوات انقلاب مملکت در تشکیلات اداری هماهنگی موجود یاریدیم مستحکم که بنده اولیای گوشش کرده ام که تو حیث کارهای البته هر چه از این امین طلب میکنی که با بدینصورت محکومه ای برافشان باشد این فکر باید عوض شود بندهم موافق هستم و این بکنایه است که دولت خواهد کرد و ما اکثریت ایتیمین دلی این با منسللهای نیست که شما شتابید بشعرته ۳۵۰ هزار نفر کمر نشان داری (دکتر باغفر از نمایندگان - چند

فرغند) که بویا سید هزار نفرند این سید هزار نفر بدان دوات را باکده تغییر زوجه دیده ولی در عین حال بندهم مستقد هستم که باید هر چه روزش شورای دولتی تشکیل شود که با این احوال یکی از افراد مملکت با معیار نگارنده دولت بودن یک کسی متفرق شد بشعر من باشد که از فرد نکایت بکنند خوشبختانه بنده در همین قانونی که دولت مالیاتت بر فرآمد تقدیم کرده ام آثار این فکر را دیده ، دیدم برای اولین بار کشته اند آقای مأمور اداره دارائی اگر یک بجای تنظیم کرده به حقوق مردم فلان مملکت را بر برای تو قانون تسبیب کرهای این نشان آن است که دولت این فکر را شنیده و دنبال است فکر هست بنده قصد ندارم پیش از این اسباب مضع خاطر میدهم از چندین جهت و همین جا برای عرض خودم خانه عثماني آمور و اهرتم که در اینوقت پیدا کده عساکر اولی است که جناب آقای دکتر خوشتری در مقام اولی است در عروذ فرموده و وضع جناح کردند همین خصماتی که دولت امین و دامت و قابل رؤیت است و هر آید با انضامی مملکت این اسباب اعتماد امیستاین و امیدیه و بدست که بدینصورت کشته و در مقام مملکت است که اکثر از دستورات شاعته اند آیه بر ما را جامع عمل پیدا و انانما شاعته است. رئیس - آقای موسوی کیری برمائید. موسوی کیری - آنکه آورده است اینبار خرد کرده امثال او کور زیور ا. احران با کاشه با بندهم با بدینصورت از دیباچام ، متأسفم که در موقع شرح بوجه کل کشور در مجلس نبود تا واقفیه مقدر خود را آیتینان که باید انعام بکنم با یک اسرار - مقام مسلم ریست و هفتاد ارگامی موافق هستم در ع تواریخ و دزجرای تاریخ اساسی از نظر کلی و استیضای حق و مواکین از لحاظ حوزه انضامیه مختصره کردی بدهم شایسته اما شاعته مورد توجه اولیای امور و خدمتگذاران ملت کرد گرفته و دین خود را در مقابل انضالی شاد حق ملی خودی یعنی خدا و شاهشانه دیده ام آدا کرده بنام ، کیم و ولادت کیم و خوش بایش که در طرفت کافری است. تبیین (مستند) با عدایان حقیقت ادک نبود و به این واقفیت واقف شد که نام دستگاههای مدرسه مملکت کلبه قوانین و مقررات تمام لافها و فالیتهای دولتی

و همشما برای ترفیع حال مردم و بوجود آوردن امکانات بهتر زمین است گوش نکاتنا و سیر موجودات همچون کله سندی فرموده

ایرواد و خود شهید و فلک در کارند تا تو بمانی تکملا آری در وقت نهمی

۱-۱. ما شاعته باید کله بشر قریب و غفلت است چه غفلتی ؟ ما شاعته کله از فراموشی از یاد صفا غفلت از یاد خدا و ما شاعته کله خبیلی بیشتر از سایر ملت اولین کله شاعر ملت ما را تشکیل داده است بنده چند روز پیش در همین مقام سخن به استحضار رسانیدگان محترم رساندم که همین که از اسلامم باطلی که با یهودی مرد توجه کرد قرار گیرد همما تنگه ساختن استامها و شهر ستاری کتور و تقییه تمام امکانات پیتر زینست در سر اسرار مملکت برای تمام مردم چین است (منبج است) اگر توانستم این تمیض را در شرح نمودم اعتماد و ایمان خود را به اولین کله مشرفین ملی عملا ثابت کردیم با وقعی در راه حق بر شاعته ما بخدا یا تو این حرفها را با منی عشقتمانی و شاعته و همین چیزی را نفس کنی چندین بانه طالب بنده بسیار زیاد بود ولی جناب آقای رامید بکنند بنده را خیلی کله کردند و تکلیف بنده را خیلی کم فرمودند و بنده منی خواهم کرد آید همرا که خدمت منست کز آنکم چندین پیش که از یزید خوده انتضامی با بکارت نسیم سوم یزید خدای طالع با بدست استامها و بر حسب تالیفه پارلمانی از نظر قوانین و مجلس شورای ملی در اجراء مایه ۱۵۱ جوامع عمومی موکلین و نظامی حوزه انضامیه و بعضی سواجر ایانات اداری و شاعته خود میرا سومین سلاخ با بندهم هائس ملی مذکرات روزارضا عهده اعلام نمودم که بشی تا کسوت مذکرات منبج قرائت میشود تا توجه بر فرمائید که بنده کم و بیش تفکرای عثماني قانونی اسلام پیش ندهاده اند ، برخی هم که جواب مرحمت کرده ام برای فضاوت شاهسنگران محترم بیجا قرائت میشود تا توجه بر فرمائید که بنده کم و بیش تمام بوجه کل کشور از منبج و متنوع و این پیش قدمه ساله ۱۹۱۰ آری کوبدم بکنند از نمایندگان - انضامیه که آری کوبدم (تسبیح) اسبابم که بنده قانع شوم و زای موافق بندهم یکی از این مذکرات تذکر می است به وزارت بهداری که در تاریخ ۲۹/۱۱/۱۰۰۰ تقدیم شده است

مرامت محترم در مجلس شورای ملی سخن بازید می نشاندید به خطای زینستاری در همه جا عندهم توجه در حفظ سلامت و بهداشت مردم ، مردم حوزه فرمانداری کل ایلام و بشکوه موجب صیانت عمده باهالی منطبق میشعینما خواهشنامه است مقرر فرمائید در اجراء ماده ۴۴ امراب با : از یار محترم بهداری تذکر صدند که توجه باطلی نیست سواد زیور آن منطبقه میشود فرمائید بنده با خط و سفا از این مواد با قرائت میکنم) در سال ۱۳۱۳ در یزدستان ۳۰ تن تقاضای واژگی بلوغ آوردمند در ایلام کشایش یافت ولی ضلای از گذشت ۳۰ سال میلادیک میسر نشد مغروره خدمت تقاضای شده است در سر اسرار بشکوه یک یزدستان ۳۰ تن تقاضای ۳۰ سال قبل کشایش میاید امروز تدبیر کل میارستان خدمت تقاضای مغرور بنده است و همین سیرتای هرهران ، هر طری این بده و سایر بینهایی شامه را فاقده بهداری در مانگه میباشد در تمام حوزه فرمانداری کل حتی که تفرقه و وجود در تمام کله یک از یزدستان و باطلها حائری شده و سفته بشکوه کتفد امکانات جزینست استیر و در خدمت بکنند البته تذکر می

که بخلاف و بعضان و دیر اضراف و خصالتی قطب به تجلیر اشتغال دارد و هر طری که مایل باشد با مردم و دختر میکند چرا ز صگی خوردن هرهران را بنگارود و به ایلام با ولایت کتور برود در تهران ۱۰۰۰ تومان و وزیرت میگردد ۵۰ تومان و با حدود کل هزار تومان مرضها را سر کیه شایده این حقیقت است که عرض منبج و انیک خوباید معرفی منبج ، در کجا میوزاد جناب اقامی خلفوا خود بکنند و هیچگونه مشورتی هم در تمام بهداشت عمومی و درمانگان سلامت باشد . از جناب آقای وزیر دارائی که گویا تشریف نمانندن سؤال میکنم کبدر سال چند مالیت از اینگونه پزشکان در برفق مملکت (یکی از نمایندگان - حج) (دکتر حکیم خوشتری - ۱۳۰۰۰ تومان کل حاکماری که در قانون عرض منبج شده) که از آنجا بشکوه که املاهیچ جناب و کاتبی ندارد هر فرد و برخاسته از ارجح خود میگردد از اینگونه افراد بر خطها ، مطلب دیگر که آقای رامید اندک فرمودند این تا بلوغ است که تا بلوغ بندهاله میبکم در همین دوره از خدمت شیرین سرچهارده ، عرض کرده او هشتاد تومان و وزیرت میگردد اما این آقا اشتر را

کیفر ارسال شده است اطلاع دوزیر کردار مشاهده بوسله یکی از ابرو سران فراموشند در اثر اطلاع حرم بکنگر از مشهورین بنده دویست است مشغول رسیدگی هستند مذاکره لازم هم جمع آوری شده است ولی هنوز متأسفانه مشرف ضمنی بدست نیامده می باید با کمال تأمل عرض کنم سهای اینکه در قبض میلوها سوه استشفاده و تقاضای آنکه انچه سده این جناب مستغایباً بپزاشند کنند و از اختیارات عووض آقای وزیر کس استشفاده بکنند بنحو دیگری آنها را که سبب حسنه آنهاست که کوچک هستند فقط برای آنها استشفاده میشود از این اختیارات مدرك دارم و متال عروس میکس چندی قبل يك بشماره طلبی که حقوق ناچیزی دارد بلك آنها هم با احتیاط در محامی و وثیقه نمت تعقیب قانونی قرار میگردد و در این رسیدگی فراموش میگردد اما در این مشورتی سیرات حاصل میکند آنها را لو شایه و دودود ۵۰۰ تومان جوهر است وزیر محترم کبود و استشفاد اختیارات استعلامی ضمنی از پس از ۲۴ سال خدمت داشته میکند بسیار گواهی کرده است منهم موقوف ۱۰۰۰ متشکل و کسائی که منحرف میشوند از آن انقلاب شده و دست پادشاه نبودند باید شدیداً مجازات شوند و باید باز داشته شوند و از کار بر کنار شوند اما بنده سزا میکس از جناب آقای وزیر محترم کبود چرا آن مقدار از استشفاد که میخواهد به سبب سده کرده است و مورد بیعت... اختیارات حومه سده استفسار میگردید و چرا آقای رئیس شورای عالی وزارت کندگی میگردید باید جناب آقای وزیر محترم ضمنی ضمنی باشد بهیچین راهی که باید به هر چه در اختیار است انجام شود و حق تعیین کس هم تعیین میکند فراموش است که گهت وزیر کس سابق ششماه بدختمه سده شده است که این شخص حلت فرجه قبول کردن آرزوهای کلام منتظم مدعی میشود و اولاً امزول کرده از فرمانداری اما میگردند اما مثال اینها آمده اند و متولند و دارند بشکل میگردند آن یکی را که تیسار امین آزاد و استادان کردستان آن مرد مشرفی بطلب دادند و سوه استشفاده بر سر ایشان میکند اولاً حکم می دهند جادی دیگر میفرستند اما از محض برای دیگران فراهم بکنید چرا آنها را بپزاشند نیکبند چرا سها

از اختیارات حاصله دوزیراه این قبیل استغما استفاده نمیکند که میکند چرا بعضی میکند همه را يك چشم نگه کند آنکه مقام عالی تر بود و آنکه بیشتر سوه استشفاده کرد اولاً از وثیقه میکند (بلاخ نظریات است) که نشان است اینجا مرید میفهمند آقا مرده مرید هستند سپیدند که عواملی حست با معات کدی متواتر تنص اول ملکت میبود اجرائی فراموش باید خودشان تنص میشود بلنه يك نیرنگی فراموشند برای جناب آقای وزیر کس کبود که و نوشت برای جناب آقای نصت دوزیر و نوشت هم برای بدستفاده اند جناب آقای کس دوزیر محترم کبود دوزیر نامه خوانده شد که آقای فلان از رئیس استشفاد عالی وزارت کس نمین نوموید استشفاده آنکه از منبر ماینتر یک نامی بدستفاده خود را استشفاده معلوم شد اما از انصاف برای آن وزارتخانه عرض کنم (بنده بیخوام همسایه اینجا بکنم) بوجه آن جناب در برود معالی اختیارات شاه اجنب آقای کس علمی نظیرت سوال دومی و در هر دوی کرمانشاه و مراغ و اصفهان پشت کوه و ویش و خورید که کرمانشاه که دیوان کیفر است حلف میبندیم از به اینها شغل تعهد اینها را جدا شغل میفهمند (فلاک میگذشتند تکلیف این بریدند) قانون نمین کند با تقدیم در خدمت فلان ... کرمانشاه و نوشت جناب آقای نصت وزیر و نوشت جناب آقای کیری نماینده استشفاد دوزیر محترم موموی از بنده گت بدینته شده است و بگذراده شده است به وزارت کس از مطالب مهمات توجه نکردند تیشاً سده در سیه سزا طرف کس کبود از ناواجرزی و مطالبی گفته اند که موجب کس انداختن من فراموش شده است و این را من هم حساب میکنم از بکم مطم ریاست شاید آن شیشه نباشد در این مورد و این مکان عرض میسرمان ضایا مهم است موضوع ملکت است یکی دیگر از وظایفی که باید بوسیله وزارت کس و انجام شود و چلوگری از مزاحمت ملی با بیان باور من مزاحمت استیار در این مورد نوشته اند باز اخیراً شرحی نوشته شده است بنده فرات میگردم این را الحاق بکارگانی کرمانشاه نوشته است

جناب آقای نصت وزیر محسوب ایران تیرور عرصه شماره فلان راجع به عواض مزاحم که حضوراً تقاضای انفای آرا نموده و قوز فرمودند تا بحال نتیجه معلوم حاصل نشده و هر دوی که کرمانشاه سا ضرراری دست بگیران بوده و فشار به آنها وارد میشود استشفاده دارد و هاضوری که عرض شد مقرر فرمائید این بد قمره عواض یکی عواض شیشوزان و یکی عواض سر خیابان و یکلک را باقی نموده و در مقابل موزین کل واردات کبود بفرایند و در قمع مزاحمت و وارداتی از کرمانه این هرستان بصل آباد رئیس املاق بلوکا می کرمانه حاضری نامی و نوشت با لاجت استفسار و اقتضای لازم (خواجهاغوری - عواضی که باید اهالی شهر بندند آنها معلق بنوشند و تحصیل کبود موزین کس کی که نام مرده و نام روستا باید بدینده این را من لفظ است جانیالی که حمایت میکند از روستا چراچین فرمایش میفرمائید صحیح میفرماید اینجا فلان میکند که موزین کل واردات کبود اما فیه بود (خواجهاغوری - صرف کندگی کی است) همان روستای است که خند کس صرف میکند) باید جواب داد (خواجهاغوری - بپیشنهاده که خلاف است من لفظ است که بشود جواب داد) باید به جواب داد یکی دیگر از مضایکه و امثالاً به سبب معتمد هت توجه موزین شورای و بشور و ان است چون هر داران استغای اینستد امای هستند نظرش اولاً من لفظ است که کلام بود در هر گمان بودند بشکار بسیار کوچک در حین سلفی که همست در حین مترکی که همست در شمران کس چه ای است که آقای دکتر الهوی که حالا تشریف ندارند مترخان است چهار نام است که بشکل معراج که نویسی کوچک است موزین کل است هر چه بنظن کردم هر چه بنده فلان کردم توجه ندیده مترکی بله نوشتن این بله هم ملاحظه میفرمائید پس این بود نوشتم شهر داران مترخ عرض میسرمان مستامه این است که فراموش خاموش است چون با تفکرات نظانی به اداره برق تیرس تیشه گرفته شد خواهند است دستور فرمائید حلال گواه که مأموران شهر داری برای وصول عواض این استغما بنمایند بکس تهم در شب به اینگونه که کچه استشفاد تأمین آسایش موزین است نهایت

مردم سر کس کند» و نوشت راهیبه اداره برق فرستاده ایشان نامه ای نوشتند و از برق کس میکند تا مامودیک همزول بکنند و بلاخره این کوجه در تازیکس سیرد و نام راجع به آنجا ممکن گرا تیرس تیشه عواض صراعی استغما برای کرمانشاهان کس درستان و فرمانداری های آن حداث و ابلاغ قضاً نظیر این برای همه حکان فرستاده شد است بنده علقه به این کتابچه تذکره عرض کرده ام بکس بکارش ۳۰۳۵۸ - ۱۷/۴۴/۱۷ وزارت آبادانی مسکن دوزیر می کرمانشاه کتابچه گزارش تیرس تیشه عملیات کل وزارتخانه در مورد قوز فرماداری ابلاغ - صفحه ۳۳ عملیات لوله کشی آب مشروب شهر ابلام و برق ابلام مربوط به تقاضای سابق بود اخیراً برای توسعه آب اقمالی سابق ساخته ۱۲ دستگاه کس که نامی ستانم از بلای بود مربوط به تقاضای سابق بود است اما یک طلی را باید عرض کنم جناب آقای دکتر تهاوهی البته جنابای ما بلای تشریف بر سورد و این خانها در افتتاح فرمودید تصویب دادیم سوهی که خیلی تابع است در آن منطقه میگردند ۱۴ دستگاه خانه که عرض کردم بوسیله این دولت این خانها ساخته شده است از قرار متر ۹۰۰ تومان تمام شد آیا صحیح است این ۱۴ کس صحیح بنده تقاضای میکس این را منصوص اعلام فرمائید ابلاغ آقا میرسد بوسله ما در کل ابلام از فرجه موزین شورای کس عرض شد که این موزین هم رفیع بشود يك بشینند امای بنده برای عمران آن منطقه است اولاً مود توجه سقدرت میخواهم اصلاح میکنم کس مورد توجه است و این کار در مورد جوجه و بوسله ما آن نام خود در است و این جوجه بدین معجزه فرماداری کل ابلام و بشکل موزاری موقیت به حاضری است استشفاد میکنم بعضی ایش بنده توجه فرمائید» سرشار از منابع نرزیستی برای ارزنده های ملام در مصلحت بسیار ارزش تخت پیمان و حوزان آبادانی معناد بر ارزش دیگری در سراسر منطقه است که در صورت اکتشاف و استخراج بهترین منطقه منشر کس بود آن حوزه خواهد بود بشتر - بنده موقیت این منطقه با ارزش تر از حوزستان بوده و ایجاب مینماید که يك ستانم عمران برای مطالعه و تهیه بر نامه در حوزه فرمانداری کل ابلام بوجه آید

مهمترین خدمات همی از نظر عمرانی احداث جاده‌های متعدد برای مکار اسفلت شریک‌های جوتی آفست است که نسبت به نالند کفار راه می‌آید که عمر رسیدگی معینی را که جاذب آفتی را می‌داند اشاره فرمودند و در صورت راه‌پای‌فرهی خود را باید که تمام راه‌های مکتوم شده باید عرض معین حکم صحنی فرموده‌اند از آن‌که کل این احداث اشاره فرمودند خوشبختانه منتهی ما یک فرزند از یک‌دوره یک‌مردی است و با شرف است که هم‌اکنون در شهر است و روز فعالیت می‌کند (صاحب است) صادق احمدی - آقای توفیق درخویی است البته او است که خیار می‌کند در احداث این راه‌های فرعی کماز کوشش و جدیت را بکار برده شد روزی لاجن می‌کند این راه‌های فرعی که عرض کردیم بنابر اشاره فرموده است در واقع می‌کند اگر وزارت کشور بگذارد و مراعات نشود (صادق احمدی - خوشبختانه وزارت آبادانی و مسکن خوب فکر کرده) (بگفتن از نمایندگان - در هم‌حاجت خوب کرده) یکی دیگر از نمایندگان که چندین بار عرض کردیم در سال ۹۳ به وقت شروع کار با اشاره فرمایش سرمایه‌بندی راهی کرده مشروط و آید ادامه که در شهرستان‌ها شیعیه‌ها نمایندگی‌ها راه‌آهن‌سویی کند اما باید عرض کنم جناب آقای دکتر پهلوی هنوز این قضایای مترادف هم پوشش داده نشده است بلکه قول داده‌اند با ارائه فرموده فرمودند منظور من بود ولی نه ایمان چنان‌که است؛ یعنی هنوز شیعیه آمجاها را تأسیس نمی‌کند گفتن را بنیاداً یکی از مخالفان خیلی مهم در منطقه ما توجه به آب و راه است یعنی واقف آن‌ها است؛ آبیاری که این مصرف هدر می‌رود جلوگیری شود با ایجاد سد؛ یکی از بهترین مناطق کشاورزی مملکت خود اوست و بنده همین دایره بر لزوم این است مدتها است از آنجا مهاجرت کرده‌اند مجدداً کشور بسازند میگردد و تأمین سزای و دسران آبادانی کشور خود را باید که در این شهرستان ما بهترین شهرستان مملکت است که در این راه‌ها باید که تأمین آب اولیه به تأمین آب مکتوم است در مورد تأمین آب مشرب و باغبان ن‌مندی شده گفتیم. مندی شده بودند اما ایمان ما شیعیه چه‌باید کرد که این کارنامه (بگفتن اما گفتیم) - در منطقه هم این گرفتاری (اداره)

رأی نمایندگان آب مشرب مردم دهلران شده پیشنهادی کرده‌اند و نسبت زبیری روشیست به وزارت کشاورزی و مسکن و روستا وزارت آب و برق هم زبیر شده است اما متأسفانه آن‌ها که باید و می‌بایست همه گرفته‌اند حتی مثل اینکه وزارت آب و برق شده و تقریباً زاید کرده است می‌گویند مطابق توسعه منابع آب منطقه ضروری به همین‌سان است و گمان کرد و طبق گزارش فعلی این مهم‌ترین ضرورت راه‌پای‌فره‌ای است جناب آقای دکتر پهلوی بنده ایستاده شده می‌کند برای این آب مشرب مردم ضروری دهلران اقدام فرمایند بنده این جناب آقای درخویی در واقع ما دستور فرمایند سازمان برنامه‌ریزی و بکمال حقوق و مسه گزاران سازمان طرفین است؛ متأسفانه برای تأمین آب مشرب چند هزار نفر طلبه در این منطقه در هزینه‌های روزی می‌کند که روی‌سازان طلبه است با عرض نداشت می‌کند این اختتامی بنده (روزی) - اگر به این کمی است که بنده تقویم می‌کند همین است پیشنهاد شده است ۲۵ کیلووات راه است آب آبی باید پیاده‌بندی انجام مردم استفاده کنند خیلی سهل رسده است ولی متأسفانه توسعه نمی‌شود یکی دیگر از نگرانانی که بنده عرض کرده‌ام در مورد داکستری منطقه فرمانداری کل انجام می‌دهد؛ بود این دیگر از آن‌جا فرمایند فراتر که وجوهی راه که جناب آقای دکتر علمای مرحمت کرده‌اند فراتر که بود از آنکه ز یاد رفتی همکاران مشرب ما نگیریم بکارهای مهمی برسد اما مقیض هم بهترین کار ما همین است؛ باید در پی راه‌پای‌فره‌ای اختصاصی می‌تواند احداث کرد که یکی از سراسر استان باشد علی‌حده جانشان از این قرون فرماید در اجسرای ماده ۱۵۱ م‌انبارا به وزیر مشرب داکستری ن‌گردد که به به‌عاشد ذوال مشرب هم‌اکنون برای تأمین داکستری حوزه فرمانداری کل ایلام و بشماره اول فرماید دستورالعمل اعلام فرمایند و آنگاه بخش ایلام در سال ۱۳۹۲ تأسیس کرده است که گذشت ۳۶ سال توپ هم برای توسعه داکستری در این حوزه وسیع منظور تأمین حواصیل آروز و قرون مردم شده است با توجه به اینکه جناب آقای احمدی استعلام می‌کنم چه

فرمایند و در این خصوص توضیح فرمایند با توجه به اینکه امور قضایی مردم آن منطقه بیشتر مربوط به دادسرا دادگاه شهرستان از قبیل امور سرپرستی معنیت از شرط شود با گرفتن عدم سو پیشینه می‌باشد برای یک کاروازی سه ساعت - معیار سراسر راه‌های کوهستانی و در مسیر ایلام و بند کرمانشاه مکتوم برای دریافت عدم سو پیشینه سلسله مراتب و وقت زیاد و همین هزینه سنگین و علاوه سرگردانی می‌باشد (خواجگ نوری این کاروازی یک‌ساعت است عدم سو پیشینه جدا جدا می‌دارد برای دور کردن فکر می‌خواهد) امسک را تعداد مردم در آن منطقه نیست مگر یک نفر دارد می‌خواهد برود سه ساله مالکیت بگیرد می‌بایست راه‌های دیگر یک‌ساعت معیار گرفتن بر یک عدم سو پیشینه باشد اگر بنا باشد برود جواز تسفک تفری بگیرد از وزارت معنیت تسفک تفری که برای حفظ احتیاج به او سیر شده لازم است (امانق احمدی - در خیلی موارد احتیاج به عدم سو پیشینه است و خیلی موارد دیگر اگر دادگن شهرستان دادسرا و در ایلام موارد علاوه بر تأمین آرایش و رفع مردم به‌بست زبندی از وقوع جرایم کفنه بشود) صادق احمدی - ایلام از لحاظ است که باید دادگن شهرستان (صدقه) مقایسه فرمایند (صادق احمدی - متأسفانه بودجه داکستری در این استان کم‌ترین است سال‌هاست کم‌ترین است) امین‌وزیر یاد شود در مسکن که در شمال آن فواصل کوه‌ها در کلبه‌ها مانند پل - ساری - آمل - کرگان - که گویان و بندر نهر - لاجان - شکردو - رشت - بندر پور و فومن و بندر لنگر - دودرود - فرعیاً وجود راه‌های ارتباطی آن‌ها زیاد از راه‌های شهرستان‌ها دورا و باز که وجود دارد ولی بنیاداً تأسیس در غرب کشور - مردمی از همین‌جا باید دچار آبیمه محرومیت و بی‌احتیاج باشند (دکتر نوروزی - جسیت را در نظر می‌گیرند به‌بست حمیت این تسفکات بوجود می‌آید) جویایی که مرحمت فرمودند بنده هم‌اکنون اوقات تسفک فقط تسفک گذاشته‌اند به اینکه این دادگن بخش تجلی شده در سال ۱۳۹۳ (وزیر دادگستری - نامش را بنویسید) بخوابد و چشم

زیاست معترضه معین شود؛ ولی عطف به فرموده شماره فلان منسوخ روستا ن‌گردد جناب آقای کبیری نمایندگی معترضه مجلس شورای ملی استعمار خاطر شریف ملی میرسد معطوف که عنصر نشانده فلان درج - در کشور ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ استعمار خطرناکی در سراسر مملکت بر رخت افزای خود وزارت دادگستری در احداث برنامه توسعه تسفکات فروری سازمان‌های در غرض مختلف است؛ منظور رفاه حال مردم دادگاه باشد ایلام را مجدداً چند سال پس از اصلاح دادگاه ۳۳۵ سال هم‌سخت است تأسیس سوا و جاذبه فرمایند بنام این توسعه از عرض کنم چرا تسفکات بیشتر از عرض می‌کند بنده است اما منطقه بنده کرمانشاه است بنام لوایح و اصول هم آبی کامی شش یک و نرس دادگن داشته‌اند از زمان بنام آبی همی شایسته تسفکات معاف صالح علییه بود در آزمون می‌خواستند ادوا همی کنند مایل نبود برود آمده دادگاه را یکی منحل کردند مردم ضروری آینه را مدنی دچار کرده است این دلیل نیست که چون دوباره تأسیس شد تاریخ تسفکات اولین این‌ها که عرض کرده سال ۱۳۹۲ ملاحظه فرمایند در ظرف این جنس‌ها اضافه‌شکمی برود جوی‌سوسای ن‌تواند کارگاه آن‌ها متوقف شده است و راه‌ها معیست و تسفکات وطن بنده باکتر از راهی که بنیاداً آفتی هم‌سخت و دودرود و دین‌دوستا موجب راضی مردم شده و لازم شد که یکصدی تخفیف بدهم ایسوار که بخارند نفا مرحمت کند و زودگی واقع گفت شود و نسبت به هم‌اکنون که نسبت به منطقه ما فرمودند تقاضایم ریزود آفتی فرمایند همین تسفکات مطون مشرب جناب‌طالی در این‌جا تسفک فرموده در ظرف یکسانی یک‌ساعت و بیم از لحاظ بنیاداً ایلام را برقرار کنند بنده یک عرض می‌کنم وزارت سابق هم این تسفک را کرده بود به‌هوق بود دوباره تسفکات مشرب و همین تسفک نگر قدامت اما بنده عرض می‌رسانم آقایان وزراء همه حسن نیت دارند همه کمال حسن نیت را دارند ایسوار مملکت در اجراء مقررات تخصص اول مملکت و برای همین هدف های اغلاب اما با کمال تأسف با بعضی تسفکات

اعراضی خوب می کنند مابین عواملی که ضلالتها را بد
 در آن امکان ندارد این نهاد را نتواند آنچه منهد
 جان فدای کشور را بین ما مدستاً از طریق مرکز فدا
 برقراری از طریق پست و سگرفی استان گردانده هیچ
 کاری ایجاد نمی کند موضوع دیگر که بنده تلقفا کرده
 بود ازینصحت جنابلی قنغ ارباب هرده با صاحبان
 تلقف خانه در میدان سیه است تلقفا داره این کار از دولت
 انبوه سرعید خضع اربابان سرود با صاحبان تلقف
 در میدان سیه تلقفا داره اینکار را هر چه زودتر اقدام
 بفرماید مانند هاتن اعلان هائی که میفرستاد برای بهانه
 آبیروزی دستور بقرائت تلقف اعلامیای بیرون می آید
 صادر کشنده در مورد بانکه این روز بدعت (صحیح
 است) این اربابان را با صاحبان کوه اینکار را میبندند
 کتد علیت خوبی این سیهها اینست از این
 سیهها در اختیار بدعت مندر است و کثرت روزی
 کلام صحیح است آقای کبیری برای خدمت قرائت باید
 بیرون میدان سیه که این پول را به عهد بر گردند و
 مشکلات قرائت و تفویض مسئولان زبیدی هت موضوع
 کشورزی صاحب نظر که بنده عرض کرده حوت را بد
 کتد و تقلیدت داهر با کمال حسن باید برگشت
 واقفا و رئیس اداره کشورزی منصفه مابین سادات
 کشورزی اندر فراموشانه خدمت منصفه کشورزی
 میکنند اما احسان ماورین در جنگهای خیانت میکنند
 بنده گفتند است و در چندین بار یکباران این ماورین
 جنگهایی در مصلحت بنده و مسوق سابقه هستند در مورد
 مراتب در سال ۳۳ بنده عرض کردم مراتب اربابان ازینست
 دادند که مصلحتیای مردم نشند و در نتیجه خدمت روزگی
 مابین نایسینان پیش نمردند در روز هوزار و شان هوزار
 باز پشتکوه و ایلام بهایران می آمدند برای وارد تهران بنده
 یک قسمت اعظم گوشت نهرائی از پشتکوه تابع میشد
 اما ماورین چون جنگهای نیک هاتن صفات عالی در هاتن
 منصفه که بودند خیانت کرد که مصلحتیات مردم بد پشتکوه
 کردند که گوسفندان نشند و در نتیجه مدت در ستار است
 که روزی ایلام به هوزار ایلام و بازر و باغی نوسه
 پیدا کرد و درین حرات بد پشتکوه مطلب دیگری که اجناس
 وزیر محترم کشورزی هم تشریف ندارند و این است که

معاون ایشان هم تشریف ندارند (حیثی) آقای کشورزی بنده
 که بنده است خنده سانسنگان اربابان کتد معمر است
 این موضوع کمبود غله را موضوعی است که بنده
 در منصفه گرفتارم و بنده وارد هستم و
 میدانم و این موضوع از این به استعمار
 نمانده گان محترم میسران تا واقفا دارم این مورد اگر
 بنده اشتباه میکنم وضع اشتباه از بنده بنود سابق در
 کرمانشاه یعنی درسی سال قبل حصول کتد بقدری بود
 که خزانه پست زبال ای پست و پتخ ریال خرید و
 فروخت میشد و احرار خسته هم خریدار نبود و این محصول
 میباید تا بقول ما عرضه میزد و در مورد پتخینه (پروین -
 راه حمل هم داشت) راه راه حمل هم نداشت بقول شما
 اما سابق یکتد ما الان کتد میشد شما سابق اگر
 از کرمانشاه تشریف میبردید تفریق میبردید با از کرمانشاه
 به کرمانشاه تفریق میبردید قسمت از آن اراضی
 با پیر دام بزوع ملاحظه میفرمودید ولی در حال
 حاضر تمام این اراضی زیر کتد است یعنی بنده میوهام
 نگریدم بعد بر اساس کتد است سابق تراکتوری
 وجود نداشت اربابان و فقط مصلحتی هت کتد ملاحظه
 بکن تراکتور تراکتور کرده میبند و بسرفی کتد هم بنظر
 من و بی آن چه خود روزگی (کست) سطح زنگی سابق
 رتد هم بسرفی کتد کتد کتد سابق کتد در حالیکه اگر
 جیت هم در دریا رتد رتد رتد رتد رتد بنده عرض کرده
 کتد به برابر شد با تمام مکتبزه در یک منطقه کوچک
 ما در دست که یک تراکتور در نماز روزی میبند تراکتور
 داریم کتد اما این چه صفتی است یعنی طی داره که
 کتد کمبود تلقف را برای امروزی - امروزی - امروزی بنده
 آقا موضوع دیگری که در عرض بنده با بنده
 استعمار جلیبی شورای ملی برسان تیمیانی است که باز
 درسی منصفه استارها منصفه و موشولان بنده در اجتم است
 اند و بعضی از اینها بعضی از اینها کتد کتد کتد کتد
 آنها کردند که ما شامل آنها کتد ما در اینست
 است تمام انبوه کتد بنده در حال حشر کتد که
 منصفه اند از غنا بیخس با ریح سباز سنگینی پول ما آب
 میبندد و آخر ما باید تمام حوقلات را بگیرند و بچند

به آنها در این مورد تذکری بندهمه وزارت آموزش و
 پرورش داده و تقاضا کرده حطب موافقت مفاصات بانک
 ملی و صادرات برای پرداخت وام به فرهنگیان بشود زیرا
 از این سادت خیلی بدیهه بود و بعد اگر خود را
 بابت سوءنفاق بدیده بود و سطحی از غنا بیخس روزانه
 فرماید برای فرهنگیان مکتبها و فرهنگیان غیر
 بومی را بنده تشکر میکنم البته جواب زودتر از همه
 وزارتخانه عاریت داده و باقیه مقبوران و واقفان کردند
 در این مورد بنده بندهم در پرداخت وام به فرهنگیان
 فرماید فرمودند ولی مفاصات ما شاملی و صادرات موافقت
 نکردند چرا آقا موافقت نکردند آنها هم مثل سایر
 فرهنگیان هستند چرا آخر تمیزی قابل میشود اگر
 وام در میدان بدیده آنها هم بخت ساختن منازل سکون
 فرماید فرهنگیان و غیره ساختن خانه ها مکتبها
 آموزش پرورش برای اتمام خدمت اشتغال پذیر نیستند
 خیلی خوب مراجع جوام فرهنگیان بنده ملاحظه میکنم
 وزارت آموزش پرورش نسبت به این امر یک توجیه
 اینقدر بلغمی است از این آموزش که در روزمره فرهنگیان
 در این جلسات عرض تصانیف گمان سرتهمه و بنده
 اینقدر به کسببون عراضی فرستادمه است که کسببان
 از بندهم در وجه نبودن این بندهم در جرات نیستند مابین
 از بندهم در وجه نبودن این بندهم در جرات نیستند مابین
 معنی دارده ماه باید یکتد بنده ماه حقوق
 بگیرد آخر این چه رسمی است چرا نسبت
 بسعدیات این طبقه که سیه کتد نسبت با اخیراً
 بیشکما اعلم حضرت عابون خدایتد نوشته اند و بنده
 بندهم نوشته اند این استند میکنم در این مورد هت
 محترمه دولت نسیمی اختیار میکنند بازم که بندهم نهای است
 از تبعیض ایستادم این نسبت این تقیبات را باید دید
 برای رف این تمیضات اقدام کنید این نامه بیخس شاکرد
 در این وقت که تهران است بندهم «توقیراً عرض عالی
 میرساند طبق قانون اجراء دانشو بناج و برابری رأی
 درباری مرکزی دانشگاه همه ساله طبقه شاگردان اول
 دانشگاه خراج اجراء میدهند این جانب بندهم این است
 در باره این منصفه هائی دانشگاه محترم و علو سیاسی و اقتصادی

در سال تحصیل ۳۴-۳۳ معادل ۸/۹۰۰ تا ۱۰۰۰۰ گاردار دانشگاه
 شده نظر بانکه دانشجوینان ضابط و استعدادهای دانشگاه
 هزاره از اینان غالبه شایسته آریهمی بر خود آری بوده و
 هستند به انکه این امر ضرور میباید که امتثال میگردند
 سادات کتد بدون تبعیض هت شاگردان اول دانشگاه
 بعضی از اجزاء میشوند لیکن بر خلاف انتظاری کتد
 متوجه شده در این خصوص تبعیض قابل دشمناندهماید
 بناج از این کار کتد بندهم و دیگر که دانشجوینان
 استعدادهای متحول تبعیض واقع شدند شاعران آنها
 میبوی که بر آنها تمیزی نازد سنسک فراریدامند
 این است که در رشته های که مورد ملاحظه بوده بدوره عالی
 در این امور بود و در حوال آنکه سیه کتد چینی مستغنی
 این جانب حق است تا کارگران رتد اول دانشگاه حقوق
 همه ساله بناج این کار کتد بندهم بطرح دوره عالی
 ایران یک دوره عمومی است نه بدوره تخصصی و انگلی
 بلا تکلیف باید در بنده در این معنی تا کتد از آن بندهم
 که استعدادهای و زحمت کتد کتد و کتد کاروان بندهم
 و حوال آنکه اگر یک دانشجو علی و رضو شود بدین
 کتد فارسی و سر کتد فارسی مواجعه نیستند
 در این زمان که هست و نتالود اول
 ثانوی در همین عدالت اجناسی رف و تبعیض و بعد این
 است این موضوعی علاقه تبتد که ما اینکه در فرجایی
 بسوزر اطمینان شایسته آریهمی برای این منصفه
 کرده اما این اقدام که در مورد این جانب رف تبعیض
 شده تابع عمل این جانب که نامه هم شده در تبعیض
 نکرد با عدم احترامات نجافتی السانی رتد اول
 دانشگاه حقوق این شاگرد در فرجایی بسوزر شایسته
 آریهمی شنوان شاگرد و بعد از این موصداصت ملو کتد
 گرفته و از اینم کتد هم سادرفی میباید ولی بندهم
 این تبعیض را چرا در مورد این دانشجوینان شایسته ایستادم
 وزارت آموزش پرورش و در این مورد اقدام فوری و اضطراری
 بندهماید اگر وقت ملاحظه عالی است در این خصوص
 کتد و بعد بندهم کتد که فصل اول بندهم بندهم
 تا اگر دیگران را فرستاده باید این تبعیض را هم
 فرستند مگر مطالب دیگری بندهم که اطلاع ندادم
 بخود این تبعیض هم اطلاع ندادم بعد دیگری کتد
 در پایان این خصوص میوهام عرض کنم موضوع کتد

دانشگاه در غرب کشور است که چندین مرتبه در اینجا تذکر داده شده است آقایان واقفاً باید در این راه اقدام کرد مردم غرب کشور نمیتوانند این تمیزی را ببینند بسم الله در تمام کشور دانشگاه هست بایستی غرب کشور هم توجهی مبذول شود هر چه زودتر برای تأسیس دانشگاه در غرب اقدام شود (صحیح است) بنده چند روز قبل در اینجا عرض کردم یکی از علل «هاجرت مردم غرب همین مطلب است در این مورد نامه ها ، طومارها ، تلگرامهایی رسیده است یکی سه هزار متر زمین را اهداء کرده دانشگاه یکی هم سی و پنج هزار متر زمین را ملی تلگرافی اهداء کرده است برای تأسیس دانشگاه در غرب بنده امیدوارم در این مورد دولت بك توجه عاجلی مبذول بکند (حیثی) - کیلان و ملازندان و رامهرمز (عمرانید) بله در تمام مملکت واقفاً باید تأسیس بشود که جوانها احتیاج بر رفتن بخارج نداشته باشند مطلبی که بنده در بیان عرایض میخواهم بگویم البته در مورد وزارت اقتصاد یادمانی اقتصاد جناب آقای رامید مطالب سه مدتی فرمودند بنده فقط يك نکته اشاره میکنم هر موقع وزارت اقتصاد توانست فقط از ورود سیگار خارجی جلوگیری کند فقط سیگار بنده اشتراف خواهم نمود این وزارت و تشکیلاتش در تأمین يك اقتصاد سالم واقفاً توانائی دارد تمام این رؤسای ادارات وقتی شهرستانها میروند همه سیگار کنت و سیگار خارجی میکشند من نیدانم این چه فخاوری است آخر چرا سیگار ایرانی نمی کشید سیگار ایرانی در دسترس همه است میگویند آن سیگار خوب نیست این والله بخدا خوب نیست من نیدانم وزارت اقتصاد در این مورد چه اقدامی کرده بنده در سال ۴۳ موقع طرح بودجه این عرض را کردم تمام وزراء سیگار خارجی توی جیبشان هست بختنامه در این مورد صادر شد شامه بیاید بکفمه بکنفرانس منتظر خدمت کنید تمام میشود این يك گل اساسی است (دکتر رهنوردی) - اگر منتظر خدمت کنم در حدود ۱۵۰ هزار

نفر رایباید منتظر خدمت کنند) تغییر لازم نیست دو نفر را منتظر خدمت کنید ؟ دیگران این کار را نکنند آخر اقتصاد ملی را بچه تر بیخوابید تقویت کنید از کالای خارجی که مشابهش در مملکت هست باید جلوگیری شود اجازه نفرمائید هر چه میخواهند وارد شود آخر این درست نیست سیگار ما و تریوم بهترین سیگار را هم داریم یکی از منابع سرشار ما سیگار داخلی است با این تریوم تا چند سال دیگر کسی سیگار ایرانی نمیکشد و باید در دخانیات را ببینند آقا اینک صحیح نیست بنده در ابتدای عرایض عرض کردم وظیفه بنده را جناب آقای رامید خیلی سبک کردند بنده امیدوارم که دولت بتواند در اجرای منویات شاهنشاه آرامهرمز بر نامه های مرفعی مملکت را صیانت اجرا بکند و بهدفعای مقدس انقلابی نایل شود چیزی که بیشتر از همه مورد توجه عموم است رفع تبعیض از دستگاهها است و این تبعیض را دولت باید بر طرف کند (احتساب)

۴ - تقدیم يك فقره لایحه اصلاح بودجه
بوسیله آقای مطهر و وزارت دارائی

رئیس - آقای قوام صدی فرمایشی در این مقرر نمائید.
قوام صدی (مطهر و وزارت دارائی) - با اجازه مقابله است اصلاح بودجه است راجع بوزارت بهداشتی که بایستی در کمیسیون بودجه مورد رسیدگی و تصویب قرار گیرد.

رئیس - این اصلاح بودجه قبل از سال جدید در سال ۴۴ بدقت مجلس شورای ملی داده شد بود ولی چون طبق آئین نامه آقای قوام صدی بایستی در مجلس تقدیم کنند از این جهت تشریفات آن قدری تأخیر شد بکمیسیون بودجه فرستاده میشود

۴ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانها و آقایان جلسه امشب را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح فردا خواهد بود.
(ساعت ۷/۲۵ دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - جناب آقای عبدالمطلب ریاضی